

نبرد خلق

کارگران همه کشورها
متحد شوید

۳۰ خرداد، نقطه عطف
جنبش رهائیبخش مردم
ایران گرامی باد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

آمریکا کانادا ۱ دلار، آلمان ۲ مارک، فرانسه ۷ فرانک
NABARD - E - KHALGH No 181. 21 June 2000

شماره ۱۸۱ دوره چهارم سال شانزدهم - اول تیر ۱۳۷۹
\$ 1 . 2 DM , 7 Fr

یادداشت سیاسی

— مهدی سامع

یادداشت سیاسی این ماه را با گرامیداشت روز ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ و تظاهرات ۵۰۰ هزار نفر از مردم تهران علیه رژیم خمینی آغاز می کنیم. در آن تظاهرات گسترده شعار محوری «مرگ بر ارتجاع، زنده باد آزادی» بود. تظاهرات روز ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ که اکنون ما نوزدهم سالگرد آنرا گرامی می داریم یک نقطه عطف در جنبش رهائیبخش مردم ایران است. خمینی تصمیم گرفته بود که با عزل اولین رئیس جمهوری اسلامی، به مردم نشان دهد که تنها اراده اوست که حاکم است و هیچ کس حق ندارد چیزی جز ولایت ننگین او طلب کند. اما تظاهرات بزرگ مردم تهران که به وسیله سازمان مجاهدین خلق ایران سازماندهی شده بود، این آرزوی بزرگ خمینی را نقش بر آب کرد. مقاومت مسالمت آمیز مردم تهران که خواستار آزادی بودند و سرکوب قهرآمیز و خونین این تظاهرات، جنبش رهائیبخش مردم ایران را در مقابل یک سؤال مهم و سرنوشت ساز قرار داد. در آن شرایط حساس و تاریخی سؤال اساسی این بود که آیا باید در مقابل تعرض ارتجاع به سیاست تسلیم و سازش روی آورد و یا همچنان که مردم شعار می دادند «لحظه به لحظه گوئیم، زیر شکنجه گوئیم، یا مرگ یا آزادی» راه مقاومت و مبارزه قاطعانه را انتخاب کرد. بدون شک اگر جنبش مقاومت سازمانیافته مردم ایران راه دوم را انتخاب نمی کرد، یک ۲۸ مرداد دیگر برای مردم ما تکرار می شد. اما انتخاب راه «مقاومت تا آخر» مشعل فروزان آزادی را شعله ور کرد و جنبش مقاومت سازمان یافته مردم ایران به یک قطب نیرومند در تحولات سیاسی کشور تبدیل شد و از آن زمان هر جای ایران و در هر زمان که مردم به پا خاسته اند، راه مقاومت و شعارهای اساسی آن را سر لوحه عمل خود قرار داده اند. همگان شاهد بودند که در تیر ماه سال گذشته چگونه در قیام دانشجویان، شعار لحظه به لحظه گوئیم، زیر شکنجه گوئیم، یا مرگ یا آزادی، سر داده شد و همگان شاهدند که چگونه مردم ایران در شهرهای مختلف و در تظاهرات و خیزشهای خود به ارکان نظام ننگین ولایت فقیه حمله می کنند و ارگانهای سرکوبگر آن را ویران می کنند. بقیه در صفحه ۲

هموطنان، علیه دیدار خاتمی از آلمان به پاخیزید

در تظاهرات و گرده‌مانهایی که

در اعتراض به این سفر در سراسر جهان برگزار می شود شرکت کنید

به افکار عمومی مردم آلمان نشان دهید که خاتمی همچون حامنه ای و رفسنجانی در سرکوب مردم ایران، در دستگیری و شکنجه دانشجویان و جوانان، در استقرار آپارتاید جنسی، در تحکیم تبعیض جنسی، مذهبی و ملی و ... سهم و شریک است

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۳۰ خرداد ۱۳۷۹

دستگاه ترور دولتی ملایان تنها از راه جنگ مسلحانه خلق، آن گونه که مجاهدین خلق و دیگر نیروهای انقلابی و میهن دوست به پیش می برند، می تواند سرنگون گردد.

بازدید خاتمی از آلمان نباید با آرامش و بدون تظاهرات و اعتراض انجام گیرد. خاتمی باید با رسوایی و بی آبرویی آلمان را ترک کند.

حزب کمونیست آلمان (م - ل) از مردم آلمان می خواهد که همچنان که در گذشته به دیدار شاد از آلمان اعتراض نمودند، اینک ضمن اعتراض به دیدار خاتمی از آلمان، همبستگی انترناسیونالیستی خویش را با مردم ایران اعلام دارند.

در تظاهراتی که از سوی سازمان مجاهدین خلق و دیگر نیروهای انقلابی و دموکرات در اعتراض به دیدار خاتمی از آلمان سازماندهی شده است شرکت کنید.

خاتمی برو گمشو

آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم

برای ایران

کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان

(م - ل)

۶ ژوئن ۲۰۰۰

بیانیه اعتراضی حزب کمونیست آلمان (مارکسیست - لنینیست)

در باره دیدار خاتمی از آلمان
حزب کمونیست آلمان (م - ل)
اعتراض خویش را علیه دیدار خاتمی،
رئیس جمهور ایران از آلمان اعلام می
دارد. خاتمی از همان طویلله قرون
وسطایی سر بیرون آورده است که خامنه
ای و رفسنجانی

به اصطلاح لیبرالیسم خاتمی
چیزی نیست جز چاپلوسی و تسلیم
طلبی در برابر امپریالیستهای آمریکایی
و اروپایی. لیبرالیسم خاتمی همانند
بنیادگرایی سئودیهاست: ترور در
سیاست داخلی، و مزدوری برای
آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی در
سیاست خارجی. هم از این روست که
کلینتون، شرودر، بلر و ژوسپن این
گونه از خاتمی پشتیبانی می کنند.

انقلابیان و میهن دوستان راستین
و دموکرات به همان اندازه زیر فشار و
سرکوب رژیم خاتمی قرار دارند و به
زندانیان فرستاده می شوند، که زیر
فشار و سرکوب رژیم خمینی و خامنه
ای.

عملیات مجاهدین خلق در داخل کشور

در صفحه ۲

مبادی نقد

چپ و راست استحاله

در صفحه ۷

یادداشت و گزارش

در صفحه ۹

تظاهرات دهها هزار نفر از

مردم مشهد

تظاهرات بزرگ در

شهرک سینا

در صفحه ۱۶

پکن + ۵

در صفحه ۵

اخبار کارگری

در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن

هرچه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱
همین حرکت‌های جسورانه مردم ایران همراه با شعارها و تاکتیک‌هایی که در حین خیزش‌های خود انتخاب می‌کنند. صحت و حقانیت راهی که از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ آغاز شد را به اثبات می‌رساند. با گراییداشت یاد زنان و مردانی که در آن روز بزرگ و سرنوشت ساز به شهادت رسیدند و با گراییداشت یاد همه ی جانب‌اختگان راه آزادی. به امید آن که ۳۰ خرداد سال آینده را در ایرانی آزاد و دموکراتیک گرامی داریم.

سراجم مجلس ششم ارتجاع پس از چند ماه جدال و کشمکش تشکیل شد و پس از مدتی مهدی کروی را به ریاست انتخاب کرد. مهدی کروی از جمله افرادی بود که در ۱۵ بهمن سال ۱۳۵۵ در یک اقدام ننگین با گفتن سیاس شاهنشاه از زندان شاه آزاد شد و از اولین روزهای به قدرت رسیدن خمینی یکی از مسئولان نهادهای سرکوبگر رژیم بوده است. کروی در جدال‌های بین دو جناح حکومت همواره نزدیکترین موضع را نسبت به خامنه ای و باندهای تحت امر او داشته است. وی پس از انتخاب به ریاست مجلس در روز ۲۲ خرداد گفت: مجلس ششم پاسدار آرمانهای امام ... مطیع مقام معظم رهبری و خدمتگزار نسبت به بازماندگان شهداست. اکنون مهم‌ترین سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا یک مجلس پاسدار آرمانهای خمینی و مطیع خامنه ای می‌تواند آن گونه که بعضی افراد مدعی هستند. مجلس اصلاحات باشد؟ آیا بازنده بودن خامنه ای و طرفداران ذوب در ولایت او می‌تواند دلیلی بر این امر باشد که این مجلس دست به اصلاحات خواهد زد. اگر فرض بر این باشد که تغییراتی در قانون مباحثات و یا جا به جا کردن بعضی ارقام بودجه و یا جا به جایی این پاسدار به جای آن پاسدار و این شکنجه گر به جای آن شکنجه گر و این آخوند به جای آن آخوند. اصلاحات نامیده شود. نظام ولایت خمینی. همیشه در حال اصلاحات بوده است. اما اگر اصلاحات به معنی تغییر در ساختار سیاسی کشور به سود مشارکت هر چه بیشتر مردم در سرنوشت خود. به رسمیت شناختن آزادی اندیشه و بیان بدون هر گونه حد و مرز و سانسور. آزادی فعالیت احزاب سیاسی. لغو تبعیض جنسی. مذهبی و ملی. آزادی تشکلهای مستقل کارگری و کارمندی و ... و در یک کلام استقرار یک حکومت غیر مذهبی که مستلزم جدایی دین از دولت است باشد. در این صورت با قطعیت باید گفت که مجلس ششم ارتجاع نمی‌تواند در این زمینه اقدامی انجام دهد و قوانین و مقرراتی حاکم بر این نهاد اجازه حرکت‌های بسیار کمتر از این هم به این مجلس نمی‌دهد. هیچ یک از مصوبات مجلس ارتجاع نباید بر خلاف قانون اساسی و اسلام باشد. و این هر دو را شورای نگهبان. تحت امر خامنه ای تشخیص می‌دهند. بنابراین اگر کسی عوامفریب نباشد و نخواهد شریک جنایت‌های رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه شود. به این نهاد نام مجلس اصلاحات را نخواهد گذاشت. مجلس ششم ارتجاع جزئی از نظام ننگین ولایت فقیه است و اگر کسی در جبهه مردم باشد و به شعارهای مردمی که آخرین مورد بسیار برجسته آن شعارها مردم مشهد بود. متعهد باشد. این مجلس را هم چون سایر نهادها و ارگانهای سرکوبگر رژیم. علیه مردم ایران می‌داند و سرنوختن کردن این رژیم به تمامی دسته بندیها و باندهای درونی آن را وظیفه مردم خود خواهد دانست.

mehdi_samea@yahoo.com

درگیری مجاهدین با پاسداران و عوامل اطلاعاتی رژیم در ایلام

سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۹ خرداد ۱۳۷۹ اعلام کرد که: مجاهد قهرمان حبیب الله هاشمی خواه که هدف گلوله مزدوران قرار گرفته و مجروح شده بود. به عملیات مقدس انتحاری مبادرت کرد و شماری از مزدوران از پای درآمدند.

قهرمان شهید حبیب هاشمی ۴۱ ساله. داور ممتاز کشتی و مربی شنا. جوانمرد محبوب همدمان بود.

عملیات بزرگ قیام تبریز در همبستگی با دانشجویان و مردم آذربایجان

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور روز ۲۰ خرداد ۱۳۷۹ اعلام کرد که: در آستانه ۳۰ خرداد. سرآغاز مبارزه مسلحانه انقلابی. روز شهیدان و زندانیان سیاسی و سالروز تاسیس ارتش آزادیبخش ملی ایران. در همبستگی با قیام دانشجویان و مردم آزادی ستان تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان در تیر ماه گذشته. اداره کل اطلاعات آذربایجان شرقی در تبریز. ستاد منطقه انتظامی استان و یک مرکز سپاه پاسداران ضد مردمی واقع در خیابان حافظ با آتش خمپاره ها در هم کوبیده شد.

همبستگی با دانشجویان به پاخاسته خمپاره باران ستاد مشترک سپاه پاسداران و در هم کوبیدن قرارگاههای ادارات کل عملیات و اطلاعات سپاه ضد مردمی در دوشان تپه تهران توسط زنان دلیر مجاهد خلق

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور اعلام نمود که: ساعت ۱۰ و نیم شب ۹ خرداد ماه ۷۹. در آستانه سالگرد جدال خون آشام جماران. واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین در شرق تهران. تهاجم بزرگ خود را همچون صاعقه آغاز کردند و به خمپاره باران مقرر ستاد مشترک سپاه پاسداران ضد مردمی و هم چنین در هم کوبیدند مقر اداره کل عملیات سپاه و اداره کل اطلاعات سپاه در دوشان تپه مبادرت نمودند.

درگیری گسترده بین نیروهای اعزامی رژیم آخوندی و مجاهدین در داخل خاک عراق

سازمان مجاهدین خلق ایران طی چند اطلاعیه اعلام کرد که: روز ۲۶ خرداد ۱۳۷۹. شب گذشته ۲۵ خرداد نیروهای رژیم آخوندی متشکل از گروههای ضربت وزارت اطلاعات. نیروی حفاظت اطلاعات ارتش تحت امر ولی فقیه و همچنین گروه پشتیبانی اطلاعات رژیم ارتش (گیار) همراه با مزدوران نیروی انتظامی استان ایلام به منظور ضربه زدن به مجاهدین و تلافی ضرباتی که رژیم آخوندی اخیراً در تهران و تبریز از مجاهدین دریافت کرده است. از منطقه صالح آباد از مرز بین المللی عبور نمودند و حدود ۱۵ کیلومتر در منطقه شمال شهر عراقی بدره پیشروی کردند.

در این هنگام واحدهایی از ارتش آزادیبخش ملی ایران برای خنثی نمودن توطئه دشمن به مقابله با مزدوران مهاجم شتافتند و درگیری گسترده ای آغاز شد که از ساعت ۷/۵ بعد از ظهر چهارشنبه تا بامداد پنجشنبه به درازا کشید. در این درگیریها دهها تن از مزدوران وزارت اطلاعات. نیروی انتظامی. نیروی حفاظت اطلاعات ارتش تحت امر ولی فقیه و گروه پشتیبانی اطلاعات رژیم که در صدد تهاجم به مجاهدین بودند کشته و زخمی شدند. نیروهای منهدم شده دشمن در جریان تلفات سنگین خود از مراکزشان در شهرهای ایلام و صالح آباد و مهران تقاضای نیروی کمکی می کردند. در این درگیریها چند تن از رزم آوران قهرمان ارتش آزادیبخش ملی شهید و مجروح گردیدند. شهادت قهرمان این عملیات. مجاهدان شهید عبدالعظیم جهانیان. غلامحسین مای. مهدی عصایی و مجید غیورانه بوده اند.

شهادت ۲ قهرمان مجاهد خلق

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور طی اطلاعیه ای در تاریخ ۲۹ خرداد از درگیری مجاهدین با نیروهای سرکوبگر در مانور کرمانشاه خبر داد. بر اساس این اطلاعیه مجاهدان قهرمان سیروس اسدی و احمد مقصودی فرزندان دلیر مردم کرد و کرمانشاه در این درگیری به شهادت رسیدند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شهادت مجاهدان قهرمان سیروس اسدی. احمد مقصودی. حبیب هاشمی. داور ممتاز. عبدالعظیم جهانیان. غلامحسین مای. مهدی عصایی و مجید غیورانه را به خانواده آنها. به رزمندگان دلیر ارتش آزادیبخش ملی ایران و به سازمان مجاهدین خلق ایران و به مردم ایران تسلیت می گوید. یاد و خاطره این رزمندگان دلیر هرگز فراموش نخواهد شد

در هم کوبیدن یکانهای سرکوبگر لشکرهای ۲۳ نوه و ۹۲ زرهی در پادگان عین خوش با موشکهای ۱۰۷ میلیمتری

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور در روز ۳۰ خرداد طی اطلاعیه ای خبر داد که: ساعت ۵ و ۳۰ دقیقه صبح امروز. در سالروز ۳۰ خرداد. واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین. یکانهای لشکرهای ۲۳ نوه و ۹۲ موشکهای ۱۰۷ میلیمتری در هم کوبیدند. در این تهاجم دلیرانه گردان ۴۱۰ لشکر سرکوبگر ۲۳ نوه در هم کوبیده شد.

سردار دریادار رودکی کشته شد

روزنامه همشهری ۱۱ خرداد سردار پیر افتخار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. دریادار دوم پاسدار عبدالله رودکی. توسط شخصی به نام محمد انصاری به ضرب گلوله تفنگ شکاری در آبخس برازهر درگذشت. سردار رودکی از معاونان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و از فرماندهان ارتش سپاه در دوران دفاع مقدس بود که در طول ۸ سال دفاع مقدس در طراحی و هدایت عملیات مختلف زمینی و دریایی علیه متجاوزین بعثی به خوبی درخشید. ضرب (انصاری) بازنشسته سازمان کشاورزی است

کشته شدن جانشین فرمانده قرارگاه ثامن الائمه

روزنامه کیهان ۷ خرداد: سرتیپ پاسدار مهدیان پور قائم مقام لشکر پنج نصر خراسان در یک سانحه رانندگی جان خود را از دست داد. سرتیپ پاسدار مهدیان پور که برای شرکت در مراسم صدگناه مشترک و گرامیداشت سوم خرداد سالروز آزادسازی خرمشهر عازم سبزوار بود در جاده بردسکن - سبزوار به هنگام تردد به دلیل ترکیب لاستیک خودرو و جاده منحرف و واژگون شد. قائم مقام لشکر ۵ نصر خراسان در اثر این حادثه دلخراش جان خود را از دست داد و یکی از همراهان وی نیز مصدوم شد. روزنامه جمهوری اسلامی پیرامون کشته شدن این سرتیپ پاسدار در شماره روز ۷ خرداد می نویسد: سردار سرتیپ محمد جواد مهدیانپور جانشین فرماندهی قرارگاه ثامن الائمه مشهد اوایل هفته گذشته در درگیری با اشرا در یکی از مناطق شرقی کشور به شهادت رسید.

اخبار کارگری —

هشتاد و هشتمین اجلاس

کنفرانس جهانی کار

به خاطر نقض قانونی و عملی کنوانسیونهای بین المللی مربوط به حقوق کار. نظارت ILO در مورد ایران را تمدید کرد.

کنفرانس جهانی کار روز چهارشنبه هجدهم خرداد ماه. ضمن ابراز نگرانی از استمرار نقض عملی و سیستماتیک کنوانسیونهای بین المللی ناظر بر حقوق کار و کارگران. در ایران. تصمیم گرفت نظارت سازمان بین المللی کار بر وضعیت حقوق کار در ایران همچنان ادامه یابد.

بر اساس این تصمیم گیری کمیسیون کارشناسان سازمان بین المللی کار موظف شد که کلیه قوانین و روشهای تبعیض آمیز در حقوق کار در ایران را جمع آوری نموده و به اجلاس آتی کنفرانس بین المللی کار ارائه نماید. طبق ضوابط سازمان بین المللی کار رژیم ایران موظف است تمامی این قوانین را لغو نماید و گرنه کنفرانس تصمیمات قانونی اتخاذ می نماید.

کمیسیون استانداردهای کنفرانس که متشکل از نمایندگان کارگران. کارفرمایان و دولتهای عضو می باشد در اجلاس امسال خود. از ادامه تبعیض مبتنی بر جنسیت و مذهب در حقوق کار در ایران چه در قانون و چه در عمل. اظهار تأسف نمود و قانون رژیم آخوندی مبنی بر معافیت کارگاههای با پنج کارگر و کمتر از شمول قانون کار را به شدت مورد انتقاد قرار داد. ایران جزء معدود کشورهایی بود که به دلیل نقض فاحش و آشکار حقوق کار در کنفرانس امسال تحت بررسی نظارت قرار داشت و این نظارت تا سال آینده نیز تمدید شد.

تعداد زیادی از نمایندگان کارگران و هم چنین سخنگوی گروه کارفرمایان. طی سخنرانیهای شدید اللحن و مستند خود. نسبت به وخامت وضع کارگران و مغایرت قوانین جاری در ایران با استانداردهای بین المللی اظهار نگرانی نموده و خواستار اتخاذ تدابیر جدی در این رابطه شدند.

آقای عباس داوری مسئول کمیسیون کار شورای ملی مقاومت ایران. ضمن استقبال از تصمیمات کنفرانس بین المللی کار. آن را نشانه تداوم و تشدید وضع اسفناک کارگران در ایران دانست و بر ضرورت اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا علیه استبداد مذهبی حاکم بر ایران به خاطر نقض مستمر کنوانسیونهای مربوط به حقوق کار و نقض ابتدایی ترین حقوق به رسمیت شناخته شده انسانی. تاکید کرد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۱۹ خرداد ۷۹

کنفرانس سالانه

بین المللی کار

در حالی که ۳۰۰۰ تن از نمایندگان عضو سازمان بین المللی کار وارد ژنو می شدند تا در کنفرانس سالانه این نهاد جهانی که روز ۳ شنبه گشایش می یابد. شرکت کنند. اعتراض کنندگانی که خواهان اخراج ایران به خاطر آپارتاید جنسی از اداره سازمان بین المللی کار بودند، از آنها استقبال کردند. خبرگزاری فرانسه روز ۱۰ خرداد گفت: تظاهرکنندگان در مقابل مقر سازمان ملل در ژنو گفتند که زنان ایران در جامعه و در محل کار از حقوقشان محرومند. کنفرانس سالانه سازمان کار که تا ۲۵ خرداد ادامه خواهد یافت. استانداردهای بین المللی کار را تعیین می کنند و متابعت در اجرای استانداردهای قبلی را نظارت می کند. این سازمان ۱۷۵ کشور عضو. کارگران و سازمانهای استخدام کارگری و وزیران کار و نمایندگان از این کشورها را گرد هم می آورد. ماریو آلبرتو فلماریک وزیر کار. آموزش و منابع انسانی آرژانتین به عنوان رئیس این کنفرانس انتخاب شده است.

حسین کمالی دروغ می گوید

خبرگزاری ایرنا ۲۵ خرداد: وزیر کار و امور اجتماعی روز سه شنبه اعلام کرد. به دلیل پیشرفت‌هایی که در زمینه اجرای مقاله نامه های سازمان جهانی کار داشتیم این سازمان در اجلاس اخیر از قرار دادن ایران در فهرست کشورهای ویژه خودداری کرد.

نرخ بیکاری در کشور به ۱۷ درصد می رسد

بهار ۲۲ اردیبهشت: براساس آمار رسمی. نرخ بیکاری در کشور از ۹/۸ درصد در سال ۷۵ به ۱۶ درصد در سال گذشته رسید و پیش بینی می شود این رقم در سال جاری به ۱۷ درصد برسد.

علیرضا رحیمی بروجردی رئیس دهمین کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی روز گذشته در گفت و گو با خبرنگاران ضمن اعلام مطلب فوق افزود: کل نیروی کار کشور در سال گذشته ۱۸ میلیون و ۲۰۶ هزار و ۷۰۰ نفر و میزان اشتغال در این سال ۱۵ میلیون و ۵۵۰ هزار و ۷۰۰ نفر بود.

کارگر راهساز آتش گرفت

همشهری ۲۴ اردیبهشت: گل محمد رشید هنگامی که با استفاده از ظرف گازوئیلی شعله ور در حال روشن نمودن مشعل تانکر قیرپاش بود. ظرف واژگون و پس از آن گازوئیل شعله ور به لباس وی پاشید و آتش گرفت. نامبرده بلافاصله به بیمارستان امام رضا بیرجند منتقل و تحت مداوا قرار گرفت. اما به علت سوختگی شدید بالای ۷۵ درصد اقدامات پزشکی برای درمان وی ثمر نداد و پس از ۲ روز جان باخت.

۵۰۰ هزار کارگر نساجی

در دام رکود

همشهری ۲۴ اردیبهشت: گلناز نصراللهی مدیر کل صنایع نساجی وزارت کشور می گوید. ۵۰۰ هزار نفر در صنعت نساجی شاغل هستند و اکثر واحدهای این بخش در رکود به سر می برند. مدیر کل صنایع نساجی کشور گفت: پنج هزار واحد نساجی در کشور وجود دارد که اکثر آنها به دلیل فرسودگی نیاز به بازسازی دارند. وی افزود: در سال گذشته ۱۵۰ میلیون دلار ارز برای خرید ماشین آلات و تعمیرات آن از سوی دولت به این بخش اختصاص یافت. وی تصریح کرد: این اعتبارها برای ۲۱ طرح نوسازی و بازسازی کارخانه های نساجی هزینه شده است. وی عدم رقابت کالاهای نساجی داخلی با مشابه خارجی را به دلیل بالا بودن قیمت تمام شده کالا از دیگر مشکلات صنعت نساجی در کشور عنوان کرده است.

تنها ۱۰ درصد متقاضیان کار در استان مرکزی به کارگاهها معرفی شدند

همشهری ۲۸ اردیبهشت: بهرامی مدیر کل کار و امور اجتماعی استان مرکزی گفت: در سال ۷۸ از متقاضیان جویای کار که در ادارات کار و امور اجتماعی استان مرکزی ثبت نام کرده و از سوی این ادارات به کارگاهها معرفی شده اند تنها ۹۱۹ نفر به کارگمارده شده اند. در صورتی که آمار ثبت نام متقاضیان کار در این سال بالغ بر ۹۱۱۷ نفر بوده است. وی تعداد کارگران تحت پوشش قانون کار شاغل در کارگاههای استان مرکزی را بیش از ۱۳۷ هزار نفر اعلام کرد و گفت: میانگین آمار بیکاری در سطح استان مرکزی بسین ۱۲ تا ۱۳ درصد است و هم اکنون تعداد ۵۶ هزار و ۴۹۸ نفر جویای کار در ادارات کار استان مرکزی ثبت نام کرده اند که از این تعداد ۴۷ هزار و ۶۹۴ نفر مرد و ۸۸۰۴ نفر زن می باشند.

۸۰ درصد آلومینیوم کشور

غیر فعال است

جمهوری اسلامی ۳۱ اردیبهشت: دبیر کل اتحادیه آلومینیوم گفت: به دلیل اعمال سیاستهای غیر کارشناسی در زمینه صنعت آلومینیوم کشور. ۸۰ درصد از این صنعت مهم غیر فعال است. محمد تقی صالحی فرود: یکی از اصلی ترین راههای مقابله با این بحران آزاد و جهانی شدن قیمت آلومینیوم با نرخ ارزهای جهانی و حذف ارز تخصصی به ایراکو و المهدی از طریق نرخ صادراتی به ارز واریزنامه ای است. وی تصریح کرد: اعمال سیاستهای غیر کارشناسی و غیر علمی موجب تعطیلی کارخانه های این صنعت مهم. بیکاری کارگران. شیوع فعالیتهای دلالی و شیوع معضل رانت بر این صنعت شده است.

نرخ بیکاری پنهان

نیز ۳۰ درصد است

رسالت ۲۵ اردیبهشت: سمینار چالشهای امروز ایران و رهیافت‌هایی برای مجلس ششم صبح روز گذشته در مرکز پژوهشهای مجلس آغاز به کار کرد. دکتر حسین عظیمی استاد دانشگاه و کارشناس مرکز پژوهشهای مجلس به ارائه نتایج بررسیها و تحقیقات خود تحت عنوان عوامل اصلی ساماندهی اقتصادی پرداخت. وی گفت: برای تامین حداقل نیازهای یک خانواده در ماه به طور متوسط ۱۳۴ هزار تومان نیاز است. در حالی که متوسط درآمد قابل مصرف هر خانوار در کشور ۱۱۲ هزار تومان است. وی گفت: در سال گذشته با احتساب بازپرداخت بدهیها جمعا ۱۵۹ هزار میلیارد ریال سرمایه گذاری صورت گرفته است. و لذا درجه کفایت تولید برای سرمایه گذاری در سال گذشته ۵۳ درصد بوده است. دکتر عظیمی گفت: در سال گذشته هزینه های آموزشی موردنیاز و ضروری کشور جمعا ۷۰ هزار میلیارد ریال بوده که فقط حدود ۲۵ هزار میلیارد ریال انجام شده یعنی ۳۷ درصد آن تامین شده است.

وی نرخ بیکاری آشکار در کشور را ۱۷ درصد اعلام کرد و گفت: علاوه بر این حداقل نرخ بیکاری پنهان نیز ۳۰ درصد است که باید به آن اضافه شود. وی سپس به مشکل عدم استفاده از ظرفیتهای توانمندیهای کشور اشاره کرد و گفت: فقط حدود ۱۸ درصد از ظرفیتهای تولیدی موجود در ایران مورد استفاده قرار می گیرد. وی با اشاره به این که ایران دارای یک اقتصاد شبه مدرن. بحران زده و نسبتا ضعیف است. گفت: ساختار اقتصادی منفعل و در حال التهاب. اقتصاد رانتی و طبقه قدرتمند رانت حوران. صادرات نفتی در حال کاهش و فقدان یا ضعف شدید نهادهای کارایی و شکوفایی در زندگی اقتصادی از جمله مشخصه های اصلی اقتصاد ایران می باشد. وی با اشاره به این که از ۴۰۰ هزار میلیارد ریال تولید ملی کشور در سال گذشته ۱۲۰ هزار میلیارد ریال آن محصول رانت و رانت خواری است. گفت: برخورد های سنتی با اقتصاد ایران راهگشا نیست و با سیاستهای مرسوم فقط زمان بحران نهایی را قدری عقب می اندازیم. در ادامه این سمینار خانم دکتر فیروزه خلعتوری کارشناس اقتصاد در مورد ضرورت اصلاح نظام بودجه ریزی به ایراد سخن پرداخت و گفت: وضعیت کلیه دریافت و پرداختها باید در بودجه سالانه به طور دقیق مشخص شود. وی با اشاره به این که هم اکنون حدود ۹۰ درصد از اصول لازم در بودجه ریزی ایران استفاده نمی شود. گفت به دلیل ضعف نظام بودجه ریزی کشور و عدم نظارت دقیق. هم اکنون متوسط عمر تکمیل یک پروژه بیش از ۸ سال است. در حالی که در دنیا طی این مدت دانش فنی پروژه نیز عوض می شود.

بمب ساعتی بیکاری در حال شمارش

رسالت ۸ خرداد: دکتر ابراهیم شیبانی دبیر کل بانک مرکزی در تشریح وضعیت بیکاری در کشور گفت: مهمترین مشکلی که اکنون پیش روی ماست و من از آن ترس دارم. بیکاری است که مانند یک بمب ساعتی می باشد و روز به روز به زمان انفجار نزدیک می شود. اعداد و ارقام هم همین را حکایت می کنند. وی سپس به گزارش سال گذشته سازمان برنامه و بودجه در مورد وضعیت بیکاری در کشور اشاره کرد و گفت: این گزارش بسیار هشدار دهنده است و از تعارفات عادی فراتر است. خلاصه آن گزارش این بود که سالانه ۸۰۰ تا ۸۴۰ هزار شغل جدید باید در کشور ایجاد شود تا نرخ بیکاری در سطح سال قبل باقی بماند. دکتر شیبانی یادآور شد: این در حالی است که در بهترین شرایط بیشترین شغلی که طی یک سال ایجاد شده حدود ۳۰۰ هزار بوده و لذا وضعیت بیکاری خیلی نگران کننده است. وی با اشاره به این که بالاترین نرخ رشد جمعیت در ایران طی دهه ۵۵-۵۶ اتفاق افتاده، گفت اگر چه نرخ رشد جمعیت از حدود ۳/۵ درصد هم اکنون به حدود ۱/۶ درصد تقلیل یافته. اما به دلیل بالا بودن نرخ رشد جمعیت در سالهای گذشته، در حال حاضر ۵۹ درصد از جمعیت کشور زیر ۲۰ سال سن دارند. وی با اشاره به این که جمعیت بالای ۱۵ سال در کشور سالانه ۳/۴ درصد رشد دارد، گفت به همین دلیل جمعیت فعال کشور که در سال ۷۶ حدود ۱۶ میلیون بود، در سال ۸۵ به بیش از ۲۳ میلیون نفر بالغ می گردد. این اعداد مثل یک بمب ساعتی است. در ادامه میزگرد. دکتر رضا شیوا عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مدیر عامل مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد مستضعفان و جانبازان اظهار داشت: واضح و روشن است که برای کشوری مثل ایران که درگیر انواع و اقسام مشکلات ساختاری می باشد، دارای جوانترین جمعیت دنیاست، نرخ تورم در آن طی بیست سال گذشته - به جز سال ۶۹ حدود ۹ درصد بود - همواره دو رقمی و حتی در اکثر سالها بالاتر از ۲۰ درصد بوده است و بسیاری از مسائل و مشکلات و تجربیات ناموفق دیگر را نیز دارد. دسترسی به اهداف برنامه سوم برای ایجاد به طور متوسط سالانه ۷۶۵ هزار شغل جدید، نگه داشتن نرخ بیکاری در سطح ۱۰/۵ تا ۱۲/۵ درصد در سال ۱۳۸۳ و رساندن رخ تورم به ۱۳ درصد در سال مذکور. کار آسانی نمی باشد.

سالانه ۲۰۰ هزار فارغ التحصیل دانشگاهی به بیکاران کشور اضافه می شوند

جمهوری اسلامی ۱۰ خرداد: نخستین همایش علمی (بررسی مسائل و چشم انداز اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی در ایران) باهدف بررسی و تبیین ابعاد مختلف اشتغال و بیکاری دانش آموختگان دیروز آغاز به کار کرد. در این همایش، محورهایی چون تصویر کلان اشتغال بیکاری دانش آموختگان کشور، آموزش عالی و اشتغال، نهادها، قوانین و مقررات اشتغال، تجارب جهانی در باره اشتغال، نگرشهای فرهنگی و اجتماعی اشتغال دانش آموختگان و راهبردها و سیاستهای اشتغال مورد بررسی قرار گرفت. حمید امین اسماعیلی دبیر همایش بررسی مشکلات و چشم انداز دانش آموختگان آموزش عالی، گزارشی از این همایش ارائه کرد. وی خاطر نشان کرد آمارهای موجود در کشور نشان می دهد که طی دهه ۶۵ تا ۷۵ نظام آموزش عالی کشور دو برابر دانش آموختگانی را که طی ۵۰ سال گذشته تامین نموده، تربیت کرده است. طی همین دهه تعداد دانشجویان بخش دولتی کشور معادل ۲۴۵ درصد و دانشجویان دانشگاه آزاد سالانه برابر ۴۲۱ (بررسی مسائل و چشم انداز اشتغال دانش آموختگان عالی کشور) در ادامه با ارائه آمار در خصوص جمعیت فعلی و گذشته دانشجویان کشور گفت: جامعه ما سالانه با ۲۷۰ هزار دانش آموخته عالی جویای کار مواجه خواهد بود. حال آن که حداکثر توان جامعه برای ایجاد شغل برای این افراد سالانه معادل ۷۵ هزار نفر است. لذا کشور از این پس هر سال با حدود ۲۰۰ هزار دانش آموخته عالی بیکار مواجه است که مستمرا به انبوه بیکاران جامعه افزوده می شود.

۱۳ هزار حادثه در

محیطهای کارگری

همشهری ۱۱ خرداد: بر اساس آمار ارائه شده از سوی دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی، طی سال ۱۳۷۸ از مجموع ۱۳۰۴۲ نفر از بیمه شدگان حادثه دیده ناشی از کار تعداد ۲۳۲۸ مورد از ناحیه پا، ۲۸۴۷ نفر از ناحیه انگشتان دست، ۲۵۶۷ نفر از ناحیه دست، ۳۱۴ نفر از ناحیه چشم، ۲۳۹ نفر از ناحیه جمجمه و ۹۳ نفر از ناحیه مغز دچار حادثه شده اند. برابر با این آمار، ناشی از برق گرفتگی با ۶۸ مورد کمترین، سقوط کردن و لغزیدن با ۲۲۷۷ مورد بیشترین رقم را شامل می شود. حوادث ناشی از بی احتیاطی با ۷۱۶۱ مورد و تهویه نامطلوب محیط کار نیز با ۱۰ مورد به ترتیب بیشترین و کمترین علل حادثه را در بر می گیرد

روز به روز بر تعداد کارگران اخراجی افزوده می شود

همشهری ۱۶ خرداد: دبیر اجرایی خانه کارگر تشکیلات استان همدان گفت: وضعیت کارگران استان همدان بسیار بحرانی است و روز به روز بر تعداد کارگران اخراجی افزوده می شود. به گزارش خبرنگار همشهری جنگیز اصلانی افزود: اغلب کارگران از وضعیت خود در کارخانه ها شاک می کنند و به اجبار با هر شرایطی که کارفرما تعیین کند، کار می کنند. وی با اشاره به این که روزانه بیش از صد نفر از کارگران به خانه کارگر مراجعه و از اجدافها و بد رفتاریهای کارفرمایان شکایت می کنند، اضافه کرد: برخی از کارخانه های بزرگ نیروهای رسمی خود را با تهدید و ارباب مجبور به بستن قرارداد موقت یا بازخرد شدن می کنند و اغلب شرکتهای استان، کارگران خود را اخراج و خانواده های آنها را دچار مشکل کرده اند. دبیر اجرایی خانه کارگر تشکیلات همدان خاطرنشان کرد: اضطراب و عدم آرامش در محیط کار، قدرت و خلاقیت و نوآوری را از کارگران سلب می کند و این باعث فلج شدن چرخهای تولید کشور می شود.

۳۷ هزار نیروی جویای کار استان بوشهر

فاقد تخصص و مهارت هستند

همشهری ۱۹ خرداد: مدیر کل کار و امور اجتماعی استان بوشهر گفت: ۳۷ هزار نیروی کار در استان بوشهر فاقد تخصص و مهارتهای لازم هستند که با توجه به توسعه صنایع نفت و گاز در استان و نیاز شدیدی که به نیروهای فنی و متخصص در این صنایع احساس می شود، در حال حاضر مهمترین مشکل استان محسوب می شود. وی در این زمینه اضافه کرد: اخیرا شرکت هیوندای پیمانکار پارس جنوبی تقاضای استخدام ۵۰ نفر جوشکار صنعتی را داشت که تنها ۱۰ درصد آن در استان وجود داشت و مجبور شدیم بقیه را از استانهای دیگر تأمین کنیم. رنگه گفت: یکی دیگر از پیامدهای عدم وجود نیروهای ماهر در استان رعایت نکردن مسائل ایمنی و عدم استفاده از لباسهای حفاظتی است که سال گذشته باعث به وجود آمدن ۹ حادثه منجر به فوت در استان شد.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت

آدامس خروس نشان

ایرنا ۲۹ خرداد: کارگران شرکت سقر سازی خروس نشان اعلام کردند تا روشن شدن کامل وضعیت خود به تجمع شان در مقابل شرکت در خیابان آزادی تهران ادامه می دهند. کارگران این شرکت ادعا می کنند که سه ماه حقوق دریافت نکرده اند. یادگار زرمز یکی از کارکنان شرکت به نمایندگی از سوی تجمع کنندگان گفت با واگذاری این کارخانه از سوی بنیاد به فردی به نام ذبیح الله دولت آبادی تعداد کارکنان از ۳۷۰ به ۱۵۰ نفر تقلیل یافت که علت آن اخراج بدون دلیل کارگران توسط مدیر عامل بود. گفته می شود این شرکت تا قبل از سال ۱۳۷۰ از شرکتهای سود آور وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان بوده است. زرمز با اشاره به این که سازمان بازرسی کل کشور واگذاری این شرکت را غیر قانونی خوانده است افزود ما بنیاد را مقصر می دانیم و خواهان تشکیل جلسه ای با حضور آقای فروزنده رئیس بنیاد برای بررسی مشکلاتمان می باشیم. وی افزود ما خواهان مشخص شدن تکلیف شرکت هستیم. اگر لازم است ما را بازتخته باز خرید و ... کنند. اما باید حقوق کارگران بر اساس قانون و به طور کامل پرداخت شود.

موج اعدامها در ایران

نوجوان ۱۷ ساله به اعدام محکوم می شود
طی روزهای اخیر رژیم آخوندی در واکنش به منظر ارباب مردم، اعدامها در ملاء عام را افزایش داده است. در ماهدشت کرج سه جوان به نامهای علی وفایی، یوسف وفایی و محمد شکر زاده روز شنبه ۲۱ خرداد در ملاء عام به دار آویخته شدند. تهران، روز شنبه ۲۱ خرداد یک پسر ۱۷ ساله به نام کیوان نجفی و جوان دیگری به نام انوشیروان رضایی به اعدام محکوم شدند. روزنامه حکومتی رسالت نیز از اعدام دیگری در روز پنجشنبه ۱۹ خرداد خبر داد.
مقاومت ایران ضمن محکوم کردن این جنایات سبعمانه، خواستار اقدام عاجل مراجع بین المللی و سازمانهای مدافع حقوق بشر برای متوقف کردن موج جدید اعدامها در ملاء عام است.
دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۲۴ خرداد ۱۳۷۹
تحویل جنازه یکی از قربانیان
۱۸ تیر سال ۷۸
رادیو آزادی ۴ خرداد.
۱۱ ماه پس از شورشهای تیر ماه گذشته تهران جنازه یک نوجوان ۱۹ ساله که خانواده از می گویند در جریان آن تاراجها کشته شد به خانواده تحویل او برای به خاک سپردن تحویل داده شده است به گفته اعضای خانواده: مختار ابراهیمی فر، او روز سه شنبه در روستای چلکان نزدیک شیراز به خاک سپرده شد بنا بر اطلاعاتی که خانواده مختار ابراهیمی فر ۱۹ ساله گرد آورده اند. او در نزدیکی بازار تهران دستفروشی می کرده است که نیروهای انتظامی در شورشهای تیر ماه گذشته به سوی مردم حمله ور می شوند. مختار ابراهیمی فر می گوشت تا از برابر نیروهای انتظامی و نیروهای با لباس شخصی بگیریزد. از آن پس دیگر هیچ کسی از این نوجوان خبری نداشت. برادر مختار ابراهیمی فر می گوید او از پشت سر هدف گلوله قرار گرفت و مغزش منلاشی شد. عکسی که پدر از کسالتی شکافی از مختار ابراهیمی فر گرفته شده است نشان می دهد که مغزش احتمالا با گلوله بی با کالیبر از پشت شکافته شده است.

پکن + ۵



زنان ۲۰۰۰، صلح، توسعه و برابری جنسی برای قرن بیست و یکم

— زینت میرهاشمی

اجلاس جهانی پکن + ۵ در ۵ روز دوشنبه ۱۶ خرداد (۵ ژوئن ۲۰۰۰) با شرکت نمایندگان ۱۸۸ دولت و ۱۲۵۰ سازمان غیر دولتی در نیویورک آغاز به کار کرد. در این اجلاس ۲۳۰۰ تن در قالب هیأت نمایندگی ۱۸۸ دولت، ۲۰۴۳ تن از ۱۰۳۶ سازمان غیر دولتی و ۲۰۰۰ تن از سازمانهای دولتی آمریکا (کشور میزبان) به اضافه اعضای هیأتهای دائمی دولتها در محل متحد شرکت کردند و طی ۵ روز به بحث و بررسی پیرامون پیشرفتهایی که پس از ۵ سال از گذشت کنفرانس پکن نصیب زنان شده پرداختند. اجلاس پکن + ۵ با سخنرانی کوفی عنان دبیر کل ملل متحد آغاز به کار کرد و پس از آن جنرال بین دو خط مشی و نو دیدگاه برای به کرسی نشاندن نظرات خود در سند نهایی آغاز شد.

یک هیأت از مقاومت ایران نیز به سرپرستی خانم سونا صمصامی، نماینده شورای ملی مقاومت ایران در آمریکا، به همراه اعضای انجمنهای زنان ایرانی در این اجلاس شرکت کردند. این هیأت با برگزاری جلسات مختلف سخنرانی، نمایش فیلم سنگسار و افشاکگری حول جنبانتهای رژیم آخوندها علیه زنان، تلاش کرد تا خواستها و چهره واقعی زنان ایران را با معرفی مقاومت سرفرازانه شان به جهانیان بشناساند و با خنثی کردن توطئه ها و تمهیدات رژیم ضد بشری آخوندی علیه زنان سهم خود را در مسیر تحقق حقوق برابر برای زنان جهان ایفا کند.

پیش نویس سندی که در این اجلاس تحت عنوان «پکن + ۵» در ۷۰ صفحه همراه با یک متن سیاسی در ۲ صفحه به تصویب رسید، قبلا از طریق کمیته تدارک این اجلاس و بر اساس گزارش ملی دولتهای شرکت کننده در کنفرانس پکن تهیه شده بود.

این سند شامل چهار بخش، مقدمه، دستاوردها، مواج اجرایی مواد ۱۲ گانه سند نهایی کنفرانس پکن و چالشها، اقدامات و ابتکارات است.

پیرامون برخورد با این سند، در مجموع دو دسته بندی بزرگ در

مقابل هم قرار گرفته بودند. از یک طرف نمایندگان دولتهایی بودند که تحت عنوان دفاع از «ویژگیهای فرهنگی و مذهبی» مخالف تصویب موادی که می توانست به برابری کامل جنسی بیانجامد بودند و از طرف دیگر نمایندگان دولتهایی بودند که جهت گیری کلی آن رفع کامل تبعیض جنسی است. اکثریت قاطع سازمانهای غیر دولتی در جبهه دولتهای گروه دوم قرار داشتند. رژیم ایران، واتیکان و بعضی دولتهای دیکتاتوری و محافظه کار در گروه اول بسیار فعال بودند. نماینده جمهوری اسلامی در این اجلاس زهرا شجاعی مشاور خاتمی بود. هیأت جمهوری اسلامی در این اجلاس کوشید تا از هر فرصتی استفاده کرده و برای رژیم ایران موفقیتهای هر چند کوچک به دست آورد. برای این منظور زهرا شجاعی و هیأت همراه او از ابتدا کوشیدند تا با گروه موسوم به ۷۷ خود را هماهنگ کرده و نظرات خود را به گروه کشورهای اتحادیه اروپا تحمیل کنند. نمایندگان دولتهای الجزایر، پاکستان، لیبی، سودان، مراکش و نیز نماینده واتیکان پیش از همه با رژیم ایران هماهنگ و همسو بودند.

زهرا شجاعی در روز آغاز کار اجلاس پیرامون تلاشهای ارتجاعی رژیم آخوندی گفت: امیدواریم با حضوری کارشناسانه بتوانیم به نفع جمهوری اسلامی ایران از آن بهره گیریم. او در روز چهارشنبه ۱۹ خرداد طی یک سخنرانی در این اجلاس ضمن ردیف کردن یک سلسله حرفهای کلی و این ادعای دروغ که گویا زنان ایران از خاتمی حمایت می کنند، به تشریح دیدگاههای ارتجاعی رژیم حاکم بر کشور ما پرداخت. وی در سخنرانی خود اعلام کرد که: «محوریت خانواده به عنوان واحد اصلی جامعه می باید مورد تاکید قرار گیرد و توجه لازم را دریافت کند» (ایرنا - خبرگزاری رژیم - ۱۹ خرداد).

زهرا شجاعی اعلام کرد که: «سیاست کلی ما در قبال زنان، مبنی بر اصول و ارزشهای متعالی اسلامی و نیز روح و مفاد قانون اساسی می باشد» (همانجا). از خلال همین دو جمله که از سخنان زهرا شجاعی نقل شد به خوبی می توانیم به آیرتاید جنسی که در کشور ما حاکم است پی ببریم. البته در این اجلاس زهرا شجاعی تنها نبود و نماینده دولتهای دیگری نیز برای ایجاد مانع و وارد کردن نظرات ارتجاعی خود در سند نهایی کوشش می کردند. سرانجام سند

نهایی بدون این که نظرات نمایندگان دولتهای ارتجاعی و سنت گرا مثل جمهوری اسلامی را به طور کامل تأمین کند و در حالی که نظرات سازمانهای غیر دولتی و بعضی دولتها که خواستار قطعیت بخشیدن در بعضی مواد به سود زنان را داشتند نیز به طور کامل تأمین نشده بود. به تصویب اجلاس رسید.

البته همین سند هم نمی توانست مورد تأیید کامل جمهوری اسلامی قرار گیرد. از این جهت هنگامی که سند نهایی در «بیست و سومین مجمع عمومی فوق العاده سازمان ملل» به تصویب رسید، نژاد حسینیان نماینده دائمی رژیم ایران در سازمان ملل نسبت به بعضی از مواد سند اعلام «تحفظ» نمود و اعلام کرد که جمهوری اسلامی خود را به اجرای هر مفهوم و واژگان جدید مندرج در سند نهایی که مغایر با ارزشها و مفاهیم اسلام و قانون اساسی ایران باشد متعهد نمی داند. (ایرنا - خبرگزاری رژیم - ۲۲ خرداد ۷۹). وی در سخنان خود که خواستار ثبت آن در اسناد مجمع عمومی شد گفت: «هیأت جمهوری اسلامی ایران معتقد است مرکزیت خانواده به عنوان واحد اصلی جامعه باید مورد توجه جدی تر قرار گیرد و سند نهایی در باره خانواده که از عقاید و ارزشهای ناب اسلامی نشأت گرفته بسیار واجد اهمیت است و با این مفهوم حیاتی باید برخورد سازنده قری صورت گیرد. وی افزود: «بر اساس شریعت اسلام روابط جنسی زن و مرد در چارچوب خانواده و از طریق ازدواج مشروعیت دارد و خارج از آن مردود است و ما نمی پذیریم... در باره موضوعاتی نظیر تساوی زن و مرد و ارث که در سند نهایی اجلاس درج شده است جمهوری اسلامی ملاک عمل خود را اصول ارزشمند اسلام تلقی می کند».

رژیم ایران که کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان را نپذیرفته در رابطه با این اجلاس نیز از حق «تفحص یا رزرواسیون» استفاده کرد و بنا بر این خود را در مقابل سند مصوبه اجلاس پکن + ۵ متعهد نمی داند.

رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم استبدادی، مذهبی است. قانون اساسی این رژیم و قوانین دیگر بر اساس تبعیض جنسی تدوین شده و زنان ایران هرگز در چارچوب این رژیم نمی توانستند به برابری کامل در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی دست یابند.

mirhashemizinat@hotmail.com

قانون اساسی جمهوری اسلامی، نقض حقوق بشر

— شهید جندقیان

رژیم ایران بارها به نقض حقوق بشر محکوم شده است و تا زمانی که قوانین اساسی این مملکت هم چنان دست نخورده باقی بماند، در سالهای آتی نیز شاهد ادامه این نقض حقوق انسانی خواهیم بود. زیرا قانون اساسی - تحت حاکمیت دیکتاتوری ولایت فقیه تنظیم شده و ولی فقیه فردی مذهبی با تفکرات اسلامی است که فقط جهت منافع سیاسی خود قانون وضع می کند. بدین ترتیب قانون اساسی در جهت فراهم آوردن امکاناتی برای تسلط مردان بر زنان می باشد. بر پایه این گونه تفسیر از قانون در زمینه های مختلف قانونگذاری به زیان آزادیهای انسانی زنان صورت گرفته است. یک دولت دیکتاتوری مذهبی، نیمی از جمعیت (زنان) را از طریق نیمی دیگر (مردان) تحت اختیار و استثمار خود قرار می دهد و این نابرابری بین زن و مرد پایه و اساس نظام را تشکیل می دهد. به عنوان مثال می توان به نکات زیر اشاره کرد: محدودیت در تصدی برخی مشاغل سیاسی - اجتماعی. حقوق زنان در خانواده (سن بلوغ، طلاق، رابطه حقوقی با فرزندان...).

عدم برابری در اشتغال و مشارکت سیاسی، فرهنگی، ورزشی، محدودیت حقوق زنان در امر آموزش. با یک نگاه ریشه ای به این مسأله متوجه می شویم که این قوانین به گونه ای طرح شده اند که ایده ی تبعیض جنسی را از بدو تولد در کودک ایجاد کرده و پرورش می دهد. مادران و دختران باید مطیع و فرمانبردار پدر و برادر باشند به طوری که گویا چیزی جز ملک آنها نیستند. این مسأله از همان کودکی به صورت یک اصل زایل نشدنی در ذهن کودک، چه دختر و چه پسر، این گونه جا می افتد که مرد فاعل و زن مفعول می باشد و بدین ترتیب فرهنگ مردسالاری در جامعه رشد می کند. و این چیزی است که در شرق «فرهنگ مردسالاری»

نامیده می شود در ایران عملاً و به وضوح در زندگی روزمره مشاهده می شود. در دوران تحصیل، این طرز تفکر تبعیض جنستی که بر پایه ارزشهای مذهبی و سنتی و فاقد ارزش می باشد آتقدر تکرار می شود تا در ذهن کودک، چه دختر و چه پسر، قوت می گیرد تا تبدیل به اصل و ارزش می شود به طوری که در خارج از مدرسه عمل و نتایج آن در زندگی روزمره افراد دیده می شود و با گذشت زمان این اصل نابرابری به صورت امری مسلم در ذهن او جای می گیرد و به جایی می رسد که پذیرنده آن می شود. بدین ترتیب به نوعی یک حکومت دیکتاتوری بر کلیه جنبه های زندگی خصوصی (فردی) و اجتماعی ایرانی مسلط می شود که نقش اصلی و واقعی زن را تبدیل به نقش حاشیه ای و بی اهمیت می گرداند. به طور مثال: زن بدون داشتن موافقت کتبی شوهر نمی تواند گذرنامه بگیرد (بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه)، زن لیسانسیه تنها در صورتی که ازدواج کرده باشد و در معیت شوهر می تواند به طور داوطلب برای ادامه تحصیل به خارج اعزام شود (تبصره ۱ ماده ۳ قانون اعزام دانشجو به خارج) و در مسأله طلاق، مرد هر گاه بخواهد می تواند زن را طلاق دهد (ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی) ولی عکس آن صادق نیست. و اگر زنی به بیماری سختی مبتلا گردد شوهر اجازه دارد نکاح را فسخ کند نتیجه چنین قوانین غیر انسانی، ناهنجاریهای اجتماعی است که یکی از این ناهنجاریها، گزارش تکان دهنده مجله زنان در شماره ۵۸، آذر ۷۸ در مورد دختران زیر ۱۸ سالی است که برای رهایی از این نابرابریها از خانه فرار می کنند و به منحلای فساد و فحشا رو می برند. نمونه بارز آن دختری به اسم موناست که پدرش بعد از این که همسرش بر اثر تزریق آمپول اشتباهی در بیمارستان فلج می شود، او را طلاق می دهد و فرزندان را نیز به علت طرفداری از مادر طرد و رها می کند.

رژیم ایبران از زن در جهت منافع سیاسی - اجتماعی خود استفاده تبلیغاتی می کند. بدین معنا بقیه در صفحه ۱۵

زنان و مسیر رهایی

— لیلیا

زنان و حق خروج از کشور

۱۴ مه - در ماه مارس امسال قانونی در مصر به تصویب رسید که طبق آن زنان حق خواهند داشت در صورتی که مهریه خود را به شوهرانشان ببخشند و هدایای او را پس دهند آنها را در دادگاه خانواده طلاق دهند. طبق این قانون هم چنین مردان بایستی برای خروج از کشور اجازه همسرانشان را داشته باشند در گذشته این حق فقط به مردان تعلق داشت. روز ۱۴ ماه مه در دادگاه قاهره ۴ مرد به درخواست همسرانشان حق خروج از کشور را از دست دادند. این اولین حرکت پس از دستیابی به این حق بود.

گزارش حقوق بشر سازمان ملل از کنکو

۱۹ مه - بنا بر گزارش سازمان ملل میلیشیای هوتو که در سال ۱۹۹۴ از ترس مجازات به خاطر قتل عام ۵۰۰ هزار نفر از مردم رواندا آنجا را ترک گفتند با همدستی بخشی از ارتش رواندا که مخالف رئیس جمهور این کشور هستند دست به جنایت علیه مردمی که او را حمایت می کنند زدند. در این گزارش آمده است که این افراد به زنان تجاوز کرده و سپس آنها را به قتل می رسانند آنها همچنین چندین زن را زنده به گور کرده اند. نظاره گر حقوق بشر سازمان ملل در گزارش خود می گوید که روز ۵ فوریه این افراد به روستایی در کیلمبو حمله کرده و دست و پای مردان را بسته و به همسران آنها در مقابل چشمان شوهرانشان تجاوز کرده اند و سپس ۳۰ نفر از آنها را به قتل رسانده اند. سخنگوی میلیشیا این موضوع را تکذیب کرد و گفت سازمان ملل می تواند برای تحقیق نزد ما بیاید. این سخنگو گفت زنانی که زنده به گور شده اند مردم آنها را به جرم جادوگری مجازات کرده اند.

زنان در زندانها

۲۳ مه: هم اکنون بالغ بر ۱۳۸ هزار زن در زندانهای دولت فدرال آمریکا به سر می برند که این در ۲۰ سال اخیر ۶۰۰ در صد افزایش داشته است. ۷۸ درصد این زنان دارای فرزند می باشند. ۹۰ درصد آنها در مواد مخدر دست داشته اند و یا الکلی هستند. این زنان بدون دریافت کمک زمان

محکومیت خود را طی کرده و در فاصله کوتاهی پس از آزادی دوباره به خاطر همان جرائم دستگیر می شوند. هم اکنون مسأله نگهداری از فرزندان آنها موضوعی بحث قرار گرفته. برخی از مردم معتقدند که کودکان این زنان بایستی از آنها جدا زندگی کنند. اما این کودکان که یا نزد پدرانشان و یا در یتیم خانه ها و اکثر مواقع با فامیل پدر یا مادر زندگی می کنند نهایتاً به دلیل نداشتن خانواده و یا تعلیم و تربیت خود به جنایت و فحشاء کشیده می شوند.

از طرفی دیگر ۷۰ درصد زندانبانان زنان مرد هستند که بنا بر گزارش منابع حقوق بشری هزاران زن مورد تجاوز این مردان قرار گرفته اند که تا به حال تنها ۷ مرد (در سال ۱۹۹۷) توسط وزارت دادگستری محکوم شده و مورد مجازات قرار گرفته اند. بسیاری از زنان از شکایت علیه این زندانبانان خودداری می کنند زیرا از آنها می ترسند و نمی خواهند حقوق حداقل خود در زندان را از دست بدهند و یا مجبور شوند زمان بیشتری در زندان بمانند.

مسأله زنان در زندانهای ایالات متحده یکی از بزرگترین و اسف انگیزترین مسأله زنان در این کشور می باشد که نتایج مستقیم بر فرزندان آنان نیز دارد.

زنان در سوریه

۱۶ ژوئن - بشمار اسد، پسر حافظ اسد، پس از مرگ پدر خود که به مدت سه دهه در سوریه قدرت را در دست داشت جانفشین پدر خود گشت. او در سخنرانی خود در روز جمعه ۱۶ ژوئن بر مسأله زنان بسیار تاکید کرد. او گفت که پدرش برای حقوق برابر زنان با مردان اقدامات و تلاش بسیاری کرد. اما فرهنگ و سنت را نمی شود یک شبه تغییر داد. زنان سوریه ای که با پوششی عادی به خیابانها می آیند ظاهراً در موقعیت متفاوتی با دیگر زنان کشورهای عربی هستند. با این حال آنها معتقدند که هنوز با حقوق برابر با مردان فاصله عمیقی دارند.

در سوریه تعداد زنان دانشگاهی بسیار بالا بوده و حدود ۹۰ درصد دانشجویان رشته پزشکی را زنان تشکیل می دهند. آنها اکثراً دارای مشاغلی چون آموزگاری و یا خدمات بهداشتی هستند. تعداد بسیار کمی در کار تجارت و یک زن رئیس بانک ملی و دو زن دارای کرسی در کابینه هستند. زنان سوریه ای می گویند که با دریافت حقوق برابر و داشتن موقعیت مساوی برای مشاغل در مقیسه هستند و هنوز هم شوهرانشان از آنها می خواهند که پس از یک روز

کار در بازگشت به خانه، خانه دار باشند. خانم جمادیب که در سال ۱۹۷۶ یکی از ۳۰ زنی بود که در بین ۱۸۰ نفر فارغ التحصیل شده می گویند: مردان، حتی تحصیل کرده ها، و حتی اگزی زنانشان تحصیل کرده باشند می خواهند که زنان در خانه بمانند. اکثر زنانی که با او فارغ التحصیل شدند پس از ازدواج در خانه ماندند.

زنان تحصیل کرده که در خانه می مانند می گویند فقط یک نسل باید صبر کنند. این دختران که اکنون در سنهای ۲۰ سالگی هستند از مادران خود می آموزند و حاضر نخواهند بود مانند آنها در خانه بمانند و همیشه احساس بدبختی کنند.

زنان می گویند که بشمار حتماً تغییری در وضعیت زنان به وجود خواهد آورد اما نه سریعاً زیرا سریع عمل کردن در این جامعه ایجاد ناآرامی خواهد کرد. حافظ اسد با وجود توجه به زنان پسرش را پس از خود انتخاب کرد در صورتی که او دارای دختری بزرگتر بود. زنان می گویند: در این جامعه مردان بیشتر قابل قبول هستند تا زنان.

معاهده پرداخت حقوق بارداری زنان

۱۵ ژوئن - میلیونها زن باردار و زنان شیر ده در جهان موفق شدند عهدنامه ای را به تصویب رسانند که طبق آن صاحبان کار حقوق آنان را در هنگام بارداری و پس از آن رعایت کنند. طبق این عهدنامه زنان باردار حق خواهند داشت که به مدت ۱۴ هفته در دوران زایمان کار خود را ترک کنند و دو سوم حقوق خود را دریافت کنند. هم چنین آنها می توانند برای شیر دادن به نوزاد خود هنگام کار وقت اضافی بگیرند و بهداشت و درمان مادران و کودکان می بایستی تامین شود.

در این رای گیری به جز ۱۷۴ کشور، حضور نمایندگان کارفرمایان و همچنین نمایندگان کارکنان نیز حق رای داشتند که تقریباً تمامی نمایندگان کارفرمایان به این تعهد رای منفی دادند. کشورهای آمریکا و استرالیا که از معدود کشورهایی هستند که حقوقی برای روز شنبه ها برای زنان قائل نیستند رای مثبت دادند. همه کشورهای آمریکای لاتین رای منفی دادند. با این که تصور می رفت رای گیری به شکست زنان بیانجامد، پس از اعلام نتایج که ۳۰۴ موافق، ۲۲۰ مخالف و ۱۱۶ متعقد بود. موجی از شادی و کف زدن در سالن به پا شد.

اجلاس ویژه سازمان ملل پیرامون کنفرانس سال ۱۹۹۵ زنان در پکن

یکشنبه ۴ ژوئن خانم مری رابینسون، نماینده ویژه حقوق بشر در سازمان ملل، به مناسبت نشست که قرار است طی ۵ روز پیرامون مصوبات کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵ صورت بگیرد گفت: فکر می کنم آن تعداد کمی که از پیشرویهایی ما در این هفته جلوگیری خواهند کرد تأثیر زیادی بگذارند. زیرا هنوز دستاوردهای ما در کنفرانس پکن ضربه پذیر هستند. خانم رابینسون نامی از آن کشورها نیاورد اما پیرسین دبیر کل عفو بین الملل از انجیریه، لیبی، پاکستان و البته ایران یاد کرد همین طور او و اتیکان را نیز نام برد. او گفت: این کشورها نقش بازدارنده ای را بازی می کنند.

در سال ۱۹۹۸ سازمان محیط زیست و توسعه زنان اعلام کرد که از زمان کنفرانس ۱۹۹۵ زنان در پکن بسیاری از کشورها برنامه های خود را بر طبق پلاتفرم پکن ریخته و حدود ۶۰ کشور قوانین خود را تغییر داده اند.

در کویت تلاش زنان برای گرفتن حق رأی ناکام ماند. در آمریکای لاتین برخی از کشورها قانونی را که به فردی که زنی را مورد تجاوز قرار می دهد اختیار می داد تا با ازدواج با آن زن از مجازات قانونی برحذر باشد تغییر داده و لغو کردند. در اردن زنان موفق شدند قوانینی را به تصویب رسانند که مردانی را به خاطر حفظ حیثیت زنان و دختران خانواده خود را به قتل می رسانند سوره مجازات قرار گیرند. با این حال بسیاری از دولتهای حاضر ترتیب اثری به این پلاتفرم داده و برخی سیز قصد داشتند آن را تقلیل یا تغییر دهند.

نقش مردان

در اجلاس پکن + ۵ مطرح شدن نقش مردان در مسائل مربوط به زنان یکی از نقاط کلیدی اهداف سازمان ملل بود. یکی از

سخنرانان گفت: همان طور که باید زنان را با حقوق شان آشنا کنیم به مردان نیز کمک کنیم تا حقوق زنان را درک کنند.

او گفت ما پس از کنفرانس پکن تلاشهای فراوانی در این زمینه انجام داده ایم و ضمن این تلاشها هر چه بیشتر به اهمیت این موضوعی پی برده ایم ما توانستیم در مدارس و ایستگاههای پلیس پروژههای آموزشی ایجاد کنیم.

با این حال تعداد مردانی که در این کنفرانس شرکت کرده بودند بسیار کم بود. خانم میشل کافمن دبیر جمعیت روبات سفید گفت ما از مردان می خواهیم با نصب رویان سفید بر لباس خود اعلام کنند که هرگز نسبت به زنان خشونت به کار نخواهند برد و همیشه آن را نفی کرده و در مقابل این عمل سکوت نخواهند کرد. مردان باید بدانند که ما برای مخالفت علیه آنان اینجاست نیامده ایم ما باید به آنها بگوییم که آنها متحدین ما در این راه هستند از دیگر دلایل شرکت مردان در جنبش زنان این است که زندگی بیتر برای زنان به نفع آنان نیز خواهد بود.

کوفی عنان چه گفت؟

۱۱ ژوئن - کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد، اجلاس یک هفته ای سازمان ملل (پکن ۵+) را موفق اعلام کرد و از نتایج آن اسراژ خوشبودی کرد. او گفت: این اجلاس کنفرانس پکن را بازنگری کرده و جلا بخشید و به هیچوجه دستاوردهای آن را به عقب باز نگرداند.

عنان گفت: اما برخی از فعالان جنبش زنان و چند کشور از جمله ایالات متحده آمریکا و آفریقای جنوبی معتقدند که پیشروی به حد کافی صورت نگرفته خصوصاً حفظ و امنیت زنان در کشورهایی که سقط جنین در آزاد است و هم چنین در کشورهای که بیماری ایدز شیوع فراوان دارد.

برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق: از سال ۱۹۹۵ تا به حال ۲۰۰ هزار زن به خاطر استفاده از راههای نادرست و خطرناک برای سقط جنین جان خود را از دست داده اند.

مبادی نقد چپ و راست استحاله

— منصور امان

آنگونه که به نظر می رسد در کنارزار سیاسی - تبلیغی ای که بین دو گرایش اصلی آوردگاه سیاسی در خارج از کشور، یعنی استحاله گرایان و مدافعان سرنگونی در جریان است، عوامل جدیدی به سود جنبه نخست به صحنه وارد شده باشند. این امر پیش از آن که مروهون تحرک فوق العاده جریان‌ات سنتی استحاله باشد، از سه عامل در شکل مستقل و در مضمون به هم پیوسته دیگر که خارج از آنها عمل می کنند، نشأت گرفته است:

۱- تشدید مخاصمات دو جناح رژیم و بلوغ تدریجی آن در شکل نتایج سیاسی مشخص

۲- فعال شدن سیاست خارجی جمهوری اسلامی و تمرکز بیشتر آن روی خارج از کشور

۳- پیوستن یا نزدیک شدن محافل جدید به گرایش استحاله

رژیم با رادیو تلویزیونهای چند گانه، اینترنت، آمد و شدهای رسمی و غیر رسمی کارگزارانش، به خدمت گرفتن افراد و نشریات، ایجاد تسهیلات مالی و مسافرتی و سر آخر حمایت‌های بین المللی، به تلاش خود برای پراکنده سازی و انفعال ایرانیان مقیم خارج ابعاد جدیدی بخشیده است. خطوط مشترک سیاسی میان جناح اصلاح طلب آن و بخشی از افراد و جریان‌های سیاسی خارج، علاوه بر امکاناتی که بدان اشاره شد، ابزارهای نوینی برای رسوخ به حریمیهای تا به کنون ممنوع برای آن به وجود می آورد که نهایتاً با صرف هزینه از حیثیت متحدین جدید خود پرداخت می گردد. از سوی دیگر صف آراییی آشکار جریان‌های مانند راه کارگر، اتحاد فدائیان و حزب دموکرات در کنار گرایش استحاله، عملاً جنبه دیگری و این بار از موضع چپ در برابر مدافعان سرنگونی می گشاید. امری که به طور بالقوه قادر است مبانی نظری و استدلالی استحاله را در بسته بندی چپ به میان این طیف انتقال دهد. در نتیجه این تحول، اپوزیسیون رادیکال همزمان با هجوم سیاسی - تبلیغی دو گرایش راست و چپ استحاله روبرو خواهد بود.

مشابهت نتایج عملی سیاست‌های این دو طیف، هرگز به معنای یکسانی نقطه عزیمت استدلال‌های آنان نیست، زیرا به لحاظ ترکیب اجتماعی، مخاطبان این دو گرایش از یکدیگر متمایز می شوند و از همین رو یک سلاح نظری واحد علیه آنها نیز نمی تواند وجود داشته باشد.

در حالی که راست استحاله چه به دلیل تعلقات ایدئولوژیک و چه به خاطر متحدین بالقوه طبقاتی (مرفه و نیمه مرفه جدید) خود، از پیش شرطها و ظرفیت شرکت در ساختار سیاسی - اقتصادی جمهوری مالاها خواهد بود، تحقق برنامه های خود

تحت چارچوب آن برخوردار است. چپ استحاله شده هم چنان در پس تنگناها و محصوریت‌های فکری و سیاسی خود و از سوی دیگر رژیم، باقی مانده است. تفاوت ذاتا اجتماعی این دو گرایش در پهنه نوع رویکرد در برابر رژیم و تاکتیک‌های متخذه از آن، خود را بدین گونه به نمایش می گذارد:

۱- عمق و گستره مطالبات گرایش راست استحاله به مقیاس بالایی با سطح مباحثات و سمت و سوی جدال‌های درونی حکومت تنظیم شده و مستقیماً به وضعیت واقعا موجودی که از آن ناشی می گردد، معطوف می گردد. پیرو این سیاست نبرد دو جناح رژیم، همواره کنارزار دو خط مشی و دو انگاره مشخص و متفاوت است که یکی از آنها - به دلایل گوناگون - به خوبی قادر به نمایندگی آماج‌های گرایش مزبور می باشد و از همین رو نتایج و میزان پیشرفت این جدال، تعیین کننده سرنوشت برنامه ای آنها نیز می باشد. بدین ترتیب صحنه های رویارویی دو جناح که گاهی به انتخاب یکی و زمانی بنا به اراده دیگری تعیین می شود، مضمون وظایف احصا راست استحاله را در مقطع یک نبرد مشخص، رقم می زند. یک نگاه به مهمترین خطوطی که توجه و تمرکز ویژه آنان را طی دوره های گوناگون به خود اختصاص داده است، این واقعیت را به خوبی مستند می کند. تمهاتی مختلفی همچون قتل‌های زنجیره ای، مطبوعات نظرات استصوابی، انتخابات، سیاست خارجی و و و و هنگامی که در دستور کار استحاله گرایان راست قرار می گیرند از دو ویژگی مشترک برخوردار می گردند:

الف) راست هیچ نقشی در تحمیل آن به موضوع روز سیاست نداشته و این خود حکومت و جناح‌های آن هستند که مبتکر و خط دهنده محسوب می شوند.

ب) انتظارات و مطالبات راست استحاله از خواست‌های حداکثر طراحان این موضوعات فراتر نمی رود و در مرز آن چه که منافع مشخص جناح بالقوه متقدم آن را تأمین می کند، متوقف می گردد.

۲- گرایش چپ استحاله همان گونه که گفته شد به دلیل فقدان نقاط اتکا، سیاسی و طبقاتی در ساختار حکومت و موانع نظری و تشکیلاتی خویش، به ناگزیر در تاکتیک‌ها از صراحت و شفافیت هم تقدیران راست خود بی بهره است. تنگنای آنان ریشه در این واقعیت دارد که از یکسو امکان تحول دموکراتیک تحت چارچوب جمهوری اسلامی را واقعی می بینند و از سوی دیگر به علت بی علاقتی حکومت به شرکت دادن آنها در بازی، محکوم به ایفای نقش تماشاجی شده اند. حال اگر گرایش مزبور در مناقشات درونی رژیم به صراحت از جناح اصلاح طلب، جانبداری نماید به معنای بازی با دست رو خواهد بود، امری که احتمال کسب هر گونه امتیاز برای مشارکت در حیات سیاسی جمهوری مالاها را، از آن چه که هست بعیدتر خواهد نمود. چه کسی به راستی حاضر است برای آن چه که مجانی به دست

می آورد، بهایی بپردازد و چه کاسی می تواند در ازای آن چه که محانی می دهد، چیزی مطالبه کند؟

علاوه بر این، برای جریان‌های که گاه سال‌های مدید به موعظه و تبلیغ سیاسی و تئوریک خط مشی پرداخته اند که اکنون بدون هیچ توضیحی به کنار نهاده و مدت نه چندان کوتاهتری نیز همه امکانات خود را مصروف نقد و نفی آن چه کرده اند که امروز از آن دفاع می کنند، توجه به حساسیت‌های درونی و بیرونی و پایین نگاه داشتن هزینه های تشکیلاتی این نگریدی، از اهمیت ویژه یی برخوردار می گردد.

گرایش چپ استحاله، راه حل را در فرمول - این روزها مشهور - فشار از پایین و چانه زنی در بالا، جستجو می کند و تاکتیک‌های خود را بر اساس آن سازمان داده و هدایت می کند. سیاست مزبور تا آن جا که به بخش اول آن یعنی فشار از پایین مربوط می شود، شباهت بسیاری به رویکردهای حزب مشارکت اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی دارد. تصور هر دوی اینها از پایین حجم بی اراده مردمی ست که با یک سوت به خیابان بریزند و با اشاره بعدی لطف دست و پایشان را جمع کرده و به خانه روانه شوند و اجازه بدهند آنها چانه شان را بزنند و این فشار را در بازار مکاره آنچه که از سیاست می فهمند، گرو بکشند. اگر برای جناح ناراضی (یا به قول مخالفان محافظه کارشان ناراحت) رژیم، - چانه زنی در بالا یک امکان واقعی و ابزاری در دسترس به شمار می آید، برای گرایش مورد اشاره ما این امر در ردیف تمهیه‌اتی است که تعریف شوخی بی مزه، بیش‌تر بدان نزدیک است تا یک سیاست جدی. این واقعیتی است که گرایش مزبور بدان آگاهی دارد اما وقوف بدان نه تنها بار کشیدن یک پایه سیاست کذابی را سبک نمی کند بلکه برعکس تنافض میان فشار، بدون نتایج معین سیاسی را به بحران دائمی آن تبدیل می نماید. در حالی که برای چپ استحاله گرا اهم تحولات به ناگزیر منحصر بر مبدا بسیج از پایین قرار می گیرد. بنا بر این به طور منطقی می بایست همه وزن سیاسی - تبلیغی خود را برای به جنبش درآوردن آن به کار بگیرد. اما کلاف در هم انگاشتی دوگانا با کشیدن یک سر نخ باز نمی شود. آنان از سوی دیگر باید کاملاً مراقب باشند جنبش فشار، به بسیج سرنگونی فرا نرود و از این رو ناچار به خرج بخش عمده ای از انرژی خود در مسیر زیگزاگ بین جمع و تفریق، برانگیختن و ساکت کردن خواهند بود. رویکرد عمومی گرایش نامبرده، متأثر از چنین شریطی از دو جهت گیری استراتژیک و تاکتیک ترکیب می شود:

الف) در سیاست تاکتیک مطالبات روز جنبش دموکراتیک، اقدامات و تدابیر جناح محافظه کار رژیم علیه جنبه دوم خرداد و تحولات درونی دومپها از نظر میزان درونی یا نزدیکی به هدف‌های اعلام شده، به طور ویژه یی زیر ذره بین قرار

گرفته و پیرامون آنها سیاست و برنامه عمل دور ای تنظیم و اتخاذ می شود (ب) سیاست استراتژیک گرایش چپ استحاله از فاکتورهای تشکیل می شود که امکان همسازي آنان به مثابه اپوزیسیون قانونی و از این طریق شرکت و مداخله بلاواسطه در نظم سیاسی موجود را فراهم می آورد. شرکت در پروسه های انتخاباتی، گشایش کانال‌های دیالوگ در مرحله نخست غیر رسمی و سپس رسمی، مزبندی صریح با براندازی و مدافعان آن، نفی حرکات مستقل توده ای و سر آخر تبدیل جنبش‌های اعتراضی به زانده های مناقشات درونی حکومت از این جمله هستند.

همان گونه که آشکار است تفاوت خط مشی دو گرایش مختلف استحاله در رویکردهای تاکتیک نهفته است. راست از آنجا که به جنبش از پایین به مثابه ابزار فشار بر جناح محافظه کار حکومت نگاه می کند و اهمیت آن را از زاویه تأثیری که در جدال جناح‌های رژیم به سود اصلاح طلبان به جامی نهد، به سدش می گیرد. بنا بر این هیچ نفعی در برجسته نمودن و وارد ساختن آن، به گونه ای که به شبهه وجود یک فاکتور تعیین کننده دیگر در معادله قدرت بیانجامد، ندارد. بر عکس چپ استحاله گرا تنها زمانی خواهد توانست جایی در توازن سیاسی موجود بیابد که این تدبیر را هر چه برگستر حسود داده، آن را همچون شمشیر داموکلس بر فراز سر دوم خرداد بیاویزد و نقش ابده آل خود به عنوان کنترل کننده و خط رهنده آن را به ثبت برساند از این رو جنبش اجتماعی از منظر آن نه تنها می تواند بلکه کاملاً مفید است که هر دو جناح رژیم را زیر ضرب بگیرد، طبیعی ست که در تقسیم فشار، سهم بیشتر - و شاید بیشتر باشد در اینجا از سهم عمده سخن گفته شود - به محافظه کاران تعلق خواهد گرفت.

در یک کلام، راست و چپ استحاله بنا به ویژگیها و تواناییها، راهکارهای متفاوتی برای تحقق یک استراتژی مشترک عرضه نموده و به کار می بندند. درک مفهوم عینی تفاوت‌های تاکتیک این دو گرایش به ویژه از نظر شناخت صف بندی‌های موجود سیاسی و ترتیب بخشی واقع بینانه بدان، مهم و ضروری است. از طرف دیگر نقد استحاله بر پایه درک مزبور، بسته به موضوع در دستور خود - چپ یا راست - نمی تواند بدون دقت در ویژگیهایی که آنان را از یکدیگر متمایز می کند، جامع و تشریح کننده کلیه زوایای موضوع باشد. این بدان معناست که اگر چه مضمون و جهت گیری استراتژیک نقد در برخورد به هر دو گرایش به نتایج یکسانی دست می یابد اما در فرم و راه‌هایی که به این هدف منتهی می گردد، الزاماً از مؤلفه های ضرورت درگیر ساختن دو اهرم گوناگون را فاکتورهای زیر به خوبی تبیین می کند:

۱- در حالی که اهداف عمده گرایش راست به روشنی در سیاست و رویکردهای

بقیه در صفحه ۸

مبادی نقد چپ و راست استحاله

بقیه از صفحه ۷

روز آن منعکس می شود و به عبارتی پروژه استحاله هم استراتژی و هم تاکتیک آن را تشکیل می دهد. گرایش چپ فقط با واسطه به آدرس نهایی خود وصل شده و در سیاست جاری، نقاط استراتژیک عمدا و آگاهانه به ندرت ظهور پیدا می کنند.

نقد راست با توجه به نوع مرزبندی و یا به بیان دقیقتر عدم مرزبندی آن با جمهوری اسلامی به عنوان یک نظم مشخص اجتماعی و نیز جناحی از رژیم سیاسی برآمده از آن، بی هیچ میانبری به جوهره و درونمایه آن راه می برد و در این کارزار به خوبی قادر به تدقیق خطوط اثباتی مدافعان سرنگونی می باشد.

دیواری از پراگماتیسم سیاسی و اجبارات ذاتی اما تاکتیک و استراتژی گرایش چپ را از یکدیگر جدا می سازد. امری که نقد رویکردهای آن تنها به اعتبار سیاست جاری اثر - یک روش تحلیلی که در مورد راست توضیح پذیر است - را با کمیوهای جدی روبرو می سازد و حتی می تواند - آن گونه که نشان خواهیم داد - گمراه کننده باشد.

پروسه شکل گیری یک نظرگاه یا رویکرد معین سیاسی پیرامون یک سوژه اجتماعی همواره ترکیبی از دو بخش تأثیرات اولیه و سپس سازمان بخشی و طبقه بندی نهایی است. تأثیرات اولیه به آن رشته واکتشیهای اطلاق می شود که سوژه بلاواسطه موجب پدید آمدنشان در فاکتورهای درگیر با خود می گردد و ذهنیت (تصور عام) یا برداشت (تصور خاص) را نسبت بدانها شکل می دهد. آنچه که به بلوغ این تصور به یک رویکرد تعریف شده می انجامد برخلاف خصلت مستقیم تأثیرات اولیه: انتخاب خودآگاه و طبقاتی است. در این جا عناصر نهادینه شده در جهت گیری سیاسی و منافع اجتماعی متصور در آن به بازپروزی رویدادها و عبور آنها از فیلترهای مقاصد غایی خویش پرداخته و رنگ و نشان ویژه خود را بر آنها ترسیم می کنند. حال اگر ارتباط میان سیاست روز و اهداف نهایی یک جریان تنها توسط حلقه های متعدد

واسطه برقرار گردد. آنگاه تعیین جایگاه سیاسی آن به امری فراتر از تحلیل رویکردهای لحظه ای نیاز دارد. گرایش چپ استحاله در دایره تأثیرات اولیه، کم و بیش همان واکتشیهای را نشان می دهد که مدافعان سرنگونی به عنوان نمونه در برخورد به قیام دانشجویان، اعتراضات توده ای و کارگری، اعتراضات توده ای و غیره تا آن جایی که به موضوع به طور فی نفسه پرداخته می شود. این نقاط اشتراک را می توان تمیز داد. امری که توانایی مخدوش نمودن مرزهای سیاسی و تحریک آشفتنگی نظری را به همراه می آورد. بنا بر این سؤال نمی تواند «جنبش آری یا نه» باشد. پرسشی که نقد چپ استحاله می بایست پیرامون آن متمرکز شود این است: «جنبش میانه‌روی به جوهره و درونمایه آن راه می برد و در این کارزار به خوبی قادر به تدقیق خطوط اثباتی مدافعان سرنگونی می باشد. دیواری از پراگماتیسم سیاسی و اجبارات ذاتی اما تاکتیک و استراتژی گرایش چپ را از یکدیگر جدا می سازد. امری که نقد رویکردهای آن تنها به اعتبار سیاست جاری اثر - یک روش تحلیلی که در مورد راست توضیح پذیر است - را با کمیوهای جدی روبرو می سازد و حتی می تواند - آن گونه که نشان خواهیم داد - گمراه کننده باشد. پروسه شکل گیری یک نظرگاه یا رویکرد معین سیاسی پیرامون یک سوژه اجتماعی همواره ترکیبی از دو بخش تأثیرات اولیه و سپس سازمان بخشی و طبقه بندی نهایی است. تأثیرات اولیه به آن رشته واکتشیهای اطلاق می شود که سوژه بلاواسطه موجب پدید آمدنشان در فاکتورهای درگیر با خود می گردد و ذهنیت (تصور عام) یا برداشت (تصور خاص) را نسبت بدانها شکل می دهد. آنچه که به بلوغ این تصور به یک رویکرد تعریف شده می انجامد برخلاف خصلت مستقیم تأثیرات اولیه: انتخاب خودآگاه و طبقاتی است. در این جا عناصر نهادینه شده در جهت گیری سیاسی و منافع اجتماعی متصور در آن به بازپروزی رویدادها و عبور آنها از فیلترهای مقاصد غایی خویش پرداخته و رنگ و نشان ویژه خود را بر آنها ترسیم می کنند. حال اگر ارتباط میان سیاست روز و اهداف نهایی یک جریان تنها توسط حلقه های متعدد

چپ صف بندیهای اجتماعی و متد استدلالی مورد استفاده اینان، قادر است به طور بالقوه تمهای نه چندان جذابی که در انحصار راست بودند و به گونه ای وجوه مشخصه آن شناخته می شدند را در اشکالی دیگر عرضه نماید. تمام امید و محاسبات آنها بر این فرض بنیان نهاده شده که حساسیت و دافعه محیط اجتماعی چپ نسبت به خطوط آذین شده استحاله، بسا کمتر و ضعیفتر از همین خطوط در چهره ناب آن باشد.

هر گاه مدافعین سرنگونی این لطف را در حق چپ همراه می آورد. بنا بر این سؤال نمی تواند «جنبش آری یا نه» باشد. پرسشی که نقد چپ استحاله می بایست پیرامون آن متمرکز شود این است: «جنبش میانه‌روی به جوهره و درونمایه آن راه می برد و در این کارزار به خوبی قادر به تدقیق خطوط اثباتی مدافعان سرنگونی می باشد. دیواری از پراگماتیسم سیاسی و اجبارات ذاتی اما تاکتیک و استراتژی گرایش چپ را از یکدیگر جدا می سازد. امری که نقد رویکردهای آن تنها به اعتبار سیاست جاری اثر - یک روش تحلیلی که در مورد راست توضیح پذیر است - را با کمیوهای جدی روبرو می سازد و حتی می تواند - آن گونه که نشان خواهیم داد - گمراه کننده باشد. پروسه شکل گیری یک نظرگاه یا رویکرد معین سیاسی پیرامون یک سوژه اجتماعی همواره ترکیبی از دو بخش تأثیرات اولیه و سپس سازمان بخشی و طبقه بندی نهایی است. تأثیرات اولیه به آن رشته واکتشیهای اطلاق می شود که سوژه بلاواسطه موجب پدید آمدنشان در فاکتورهای درگیر با خود می گردد و ذهنیت (تصور عام) یا برداشت (تصور خاص) را نسبت بدانها شکل می دهد. آنچه که به بلوغ این تصور به یک رویکرد تعریف شده می انجامد برخلاف خصلت مستقیم تأثیرات اولیه: انتخاب خودآگاه و طبقاتی است. در این جا عناصر نهادینه شده در جهت گیری سیاسی و منافع اجتماعی متصور در آن به بازپروزی رویدادها و عبور آنها از فیلترهای مقاصد غایی خویش پرداخته و رنگ و نشان ویژه خود را بر آنها ترسیم می کنند. حال اگر ارتباط میان سیاست روز و اهداف نهایی یک جریان تنها توسط حلقه های متعدد

شکل گیری صف بندیهای جدید در صحنه سیاسی: پیش از هر چیز مؤید شدت گرفتن تحركات در جامعه، تسری آثار آن به حکومت و نزدیک شدن مراحل سرنوشت ساز و تعیین کننده در کارزاری که بین این دو جریان دارد. می باشد. حضور غالب این روند، ملاکها و معیارهای دیگری که در دوران تغییرات بطنی اهمیت می یابند را از اعتبار ساقط می کند و رویکردها را بر اساس نقشی که در این نبرد ایفا می کنند و به عهده می گیرند به سنجش و داوری می گذارد. با هر گام جنبش، فاصله زمانی میان گره گاههای استراتژیک، جایی که موجودیت سیاسی - نظری جریانات و گروهها را به چالش می طلبد کمتر و کوتاهتر می شود و مجال بزرگ را از فرصت طلبان و عوامفریبان سلب می کند. سایه طوفان دیربست که بر شانه نحیف جمهوری اسلامی سنگینی می کند، تیره بخت آنان که تازه به صرافت موج سواری افتاده اند!

ژوئیه ۲۰۰۰

اطلاعیه های سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درود بر دانشجویان و جوانان تهران

علیرغم این که «کمیت» صدور مجوز دانشگاه تهران هر گونه تظاهرات را غیر قانونی اعلام کرده بود؛

در حالی که «جبهه متحد دانشجویی» که دعوت کننده تظاهرات امروز بود، انصراف خود را از برگزاری تظاهرات اعلام کرده بود؛

در شرایطی که سرکردگان جبهه دوم خرداد و شخص خاتمی در مقابل توقیف مطبوعات و دستگیری تعدادی از روزنامه نگاران و فعالان سیاسی و اجتماعی به سیاست تسلیم و کرنش متوسل شده اند؛

امروز هزاران تن از دانشجویان و جوانان تهران اقدام به یک تظاهرات پر شور علیه سیاستهای سرکوبگرانه ولایت خامنه ای و عمله و اکره آن نمودند.

امروز جوانان تهران با فریاد «زندانی سیاسی، آزاد باید گردد»، «یا مرگ، یا آزادی» و در حالی که یورشهای وحشیانه انصار حزب الله را با شعار «توب، تانکه، بسیجی، دیگر اثر ندارد» جواب می دادند، نشان دادند که برای رژیم ولایت فقیه و قوانین ارتجاعی آن هیچ ارزشی قائل نیستند. بخش مهمی از شعارهای دانشجویان بدین قرار بود: «اکبر شاه، مرگ بر شاه»، «آزادی اندیشه، با هاشمی نمیشه»، «جنتی حیا کن، تقلب را رها کن»، «فلاحیان، سرکرده جانیان» و ...

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با درود به دانشجویان و جوانانی که در تظاهرات امروز خود فریاد «یا مرگ یا آزادی» سر دادند، از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر خواستار اتخاذ یک سیاست قاطع علیه رژیم حاکم بر ایران برای وادار کردن این رژیم به آزادی کامل و بدون هر گونه قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی می باشد.

دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۷۹

شکست مفتضحانه خامنه ای

یک روز پس از آن که دانشجویان و جوانان تهران با شعار «اکبر شاه، اکبر شاه، مرگ بر شاه، تنفر و انزجار خود را از هاشمی رفسنجانی

اعلام کردند. امروز رفسنجانی انصراف خود را از نمایندگی مجلس ششم ارتجاع اعلام نمود.

اقدام امروز رفسنجانی نشان می دهد که ارتجاع حاکم و بر محور آن خامنه ای، به علت ترس و وحشتی که از جنبش اجتماعی مردم ایران و جنبش مقاومت سازمان یافته دارند. قادر به اتخاذ یک سیاست کلان و پایدار نبوده و اقدامات لحظه ای آنان پس از گذشت مدتی کوتاه، به ضد خودش تبدیل می شود. اقدام امروز رفسنجانی هم چنین شکست مفتضحانه سیاست «جا سازی» رفسنجانی در ردیف بیستم را آشکار نمود. دانشجویان و جوانان تهران با حرکت انقلابی و رادیکال دیروز خود درس مهمی به سرکردگان رژیم دادند و ولایت خامنه ای را باز هم مجبور به یک عقب نشینی دیگر نمودند. اما تردیدی نیست که سرکردگان و باندهای درونی ولایت خامنه ای دست از توطئه گری و سرکوب برنمی دارند. مبارزه متحد و یکپارچه مردم ایران برای سرنگونی رژیم استبدادی و مذهبی ولایت فقیه و تمامی سست بندیهای درونی آن. راهی است که این مبارزه را به اهداف خود یعنی آزادی، دموکراسی، عدالت، کثرت گرایی و جدایی دین از دولت به عنوان محوری ترین خواست این مبارزه می رساند.

پنجشنبه ۵ خرداد ۱۳۷۹

اعلام انصراف رفسنجانی

یک روز پس از آن که دانشجویان و جوانان تهران با شعار «اکبر شاه، اکبر شاه، مرگ بر شاه، تنفر و انزجار خود را از هاشمی رفسنجانی اعلام کردند. رفسنجانی انصراف خود را از نمایندگی مجلس ششم ارتجاع اعلام نمود.

این اقدام رفسنجانی نشان می دهد که ارتجاع حاکم و بر محور آن خامنه ای، به علت ترس و وحشتی که از جنبش اجتماعی مردم ایران و جنبش مقاومت سازمان یافته دارند. قادر به اتخاذ یک سیاست کلان و پایدار نبوده و اقدامات لحظه ای آنان پس از گذشت مدتی کوتاه، به ضد خودش تبدیل می شود.

دانشجویان و جوانان تهران با حرکت انقلابی و رادیکال خود، سیاست «جا سازی» رفسنجانی در ردیف بیستم توسط شورای نگهبان را به شکست کشانده و درس مهمی به ولایت خامنه ای و عمله و اکره آن دادند. اما تردیدی نیست که سرکردگان و باندهای درونی ولایت خامنه ای دست از توطئه گری و سرکوب برنمی دارند. مبارزه متحد و یکپارچه مردم ایران برای سرنگونی رژیم استبدادی و مذهبی ولایت فقیه و تمامی سست بندیهای درونی آن. راهی است که این مبارزه را به اهداف خود یعنی آزادی، دموکراسی، عدالت، کثرت گرایی و جدایی دین از دولت به عنوان محوری ترین خواستهای این مبارزه می رساند.

جمعه ۶ خرداد ۱۳۷۹

یادداشت و گزارش

- الف . ش . مفسر

جام زهر ذلت و حقارت

اعلام انصراف هاشمی رفسنجانی از نمایندگی مجلس رژیم. در واقع جام زهری بود که سرانجام فشار پائینها و تاکتیک جبهه مشارکت، به کام جناح هار طرفدار ولایت مطلقه فقیه ریخت و تمام برنامه ریزیها و زمینه سازیهای را که شخص خامنه ای هر کجا که لازم بود (از جمله دستگیری و محاکمه عبدالله نوری) در حمایت از آن تردیدی به خود راه نداده بود، نقش بر آب کرد. جناح هار چند ماه پیش و کمی قبل از برگزاری انتخابات، قانونی را در مجلس به تصویب رساند که منحصراً رفسنجانی را از استعفا کردن از سمت خود (رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام) برای شرکت در انتخابات مجلس، معاف می کرد. هیأت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان هم، همه گونه تقلب را برای بالا بردن آراء رفسنجانی برای ورود به مجلس به کار بست. اما با این همه او در آخر لیست ۳۰ نفره کاندیداهای دارای حد نصاب رای برای ورود به مجلس رژیم روضه خوانها قرار گرفت و مردم طعنه و تحقیر خود را نسبت به وی با دادن عنوان «اقاسی» نشارش کردند. اعتراضات ۲ خردادها به نتیجه اعلام شده، سبب پذیرش بازشماری هزار صندوق از سوی شورای نگهبان شد اما در نیمه راه، این شورا با اعلام این که اگر چه اختلافاتی در شمارش آراء وجود داشته اما تغییری در نتیجه اعلام شده نمی دهد، دستور توقف شمارش را صادر کرد. اما چندی بعد جر زد و بازشماری آرای هزار صندوق را از سر گرفت که این بار توسط هیاتهای نظارت شورای نگهبان بازشماری، می شد و در پی این بازشماری شورای نگهبان اعلام کرد که تقلباتی که در این دوره انتخابات تهران صورت گرفت در هیچیک از انتخابات رژیم سابقه نداشته است. این شورا از خامنه ای برای اعلام نتیجه و صحت انتخابات تهران نظرخواست و او نیز ضمن پرهیز دادن شورا از ابطال انتخابات تهران، آن شورا را به ابطال صندوقهایی که آراء جمع آوری شده در آنها مخدوش بوده، رهنمود داد و در پی آن حدود بیش از هفتصد هزار رای باطل و نتیجه انتخابات با جهش رفسنجانی به نفر بیستم لیست، از سوی شورای نگهبان اعلام شد. اینها البته چیزی جز رسوایی در رسوایی برای جناح هار و شخص خامنه ای نبود. عناصر و باندهایی از جناح هار، کلا خواهان باطل شدن انتخابات تهران بودند، اما ولی فقیه جرأت پذیرش این ریسک را نداشت. تظاهرات دانشجویان در ۴ خرداد که به دعوت تشکل جبهه متحد دانشجویی برگزار شد، با شعارهای «مرگ بر اکبر شاه بگو مرگ بر شاه» و «جنتی تو دشمن ملتی»، ضربه سنگین و تحقیر کننده ای، نه تنها به رفسنجانی بلکه به «مقام معظم رهبری»، که زمینه ساز این اقدام شورای نگهبان شده بود و آن شورا نیز بود. یک روز بعد از این تظاهرات (یا شب همان روز)، رفسنجانی با ابراز خشم و نفرت به منتقدان و معترضان خود، انصراف خویش را از نمایندگی مجلس اعلام کرد. با این حال به گمان من این تظاهرات نبود که رفسنجانی را به عقب نشینی واداشت، بلکه این تظاهرات چشم انداز ورود به مجلس را برای او تیره و احتمال یک بی آبرویی بزرگتر «برای هیچ» را پیش روی او قرار داد. او که از زمان اعلام شرکتش در انتخابات ضربه های حیثیتی سنگینی از جناح رقیب (به ویژه از مقاله عالیجناب سرخپوش اکبر گنجی) دریافت کرده و به کلی کلافه و درمانده شده بود، نگران از رد اعتبار نامه اش در مجلس بود. این اتفاق اگر پیش می آمد، تحقیری به مراتب سنگین تر از تظاهرات دانشجویان نصیبش می کرد، چرا که این اولین بار نبود که دانشجویان در تظاهرات خود، شعارهای تند و تحقیر آمیز علیه مقامات بلند پایه رژیم می دادند، آنها سال پیش در تظاهرات تیر ماه، با شعارهای «خامنه ای حیا کن - سلطنتو رها کن»، «انصراف جنایت می کند - رهبر

حمایت می کند»، «قاتلان فروهر - زیر عبای رهبر»، آبرو برای مقام معظم رهبری نگذاشته بودند. رفسنجانی و حامیانش، می توانستند مدعی شوند - هانطور که در تظاهرات سال قبل دانشجویان مدعی شدند - که اینها تحت تاثیر جریانات ضد انقلاب بوده اند یا عناصر نفوذی دشمنان نظام این شعارها را داده اند. اما تصور رد اعتبارنامه سردار سازندگی که قبلاً دو دوره رئیس مجلس دو دوره رئیس جمهور رژیم بوده، از سوی کسانی که مثل خود از صلاحیتشان برای ورود به مجلس با نظارت استصوابی شورای نگهبان تایید شده، کسانی که دانشجویان بی نام و نشان تظاهرات نمودند و برای رد صلاحیت رفسنجانی باید به ارائه دلیل و سند، بحث و استدلال هم می کردند، کساوس وحشتناکی برای رفسنجانی پر رو و پاچه ورمالیده بود. این مسأله را می شود از نوشته سید مرتضی نبوی یکی از عناصر سابقه دار جناح هار در روزنامه ۱۰ خرداد رسالت دریافت. وی در این مطلب ضمن اشاره به نامه شورای نگهبان به خامنه ای که در آن آمده بود، شورای نگهبان نمی تواند صحت انتخابات تهران را تایید کند، یادآور شده: «در این مرحله تهدید آقای هاشمی که رد اعتبار نامه در مجلس ... توسط حزب مشارکت بالا گرفت ... وی ضمن خواندن روضه اشک انگیز و جانسوزی در مظلومیت رفسنجانی و ظلم بیداد جبهه مشارکت علیه وی، خطاب به خاتمی نوشته است: «اگر در دولت شما که شعار آن توسعه سیاسی است، آقای هاشمی با آن همه سوابق و آن مقدار مساعدت به جنابعالی، نتواند از حداقل حق شهروندی و امنیت اجتماعی برخوردار باشد "توسعه سیاسی" تحقق یافته است؟... آیا فکر نمی کنید، مدعی که جریان مطبوعاتی، دانشجویی و سیاسی مدعی طرفداری شما، پایه گذاری کردند، دامن خود شما را هم بگیرد؟ ... دوستانی که امروز از چراغ قرمز عبور می کنند، در حقیقت مشغول نقض شعار قانونگرایی شما هستند... تصمیم حزبی مبنی بر رد اعتبارنامه آقای هاشمی و آقای حداد عادل نقطه سیاهی است که از پرونده تازه رسیدگان عرصه سیاست پاک نخواهد شد. به هر حال در جنگ دو جناح انصراف رفسنجانی از نمایندگی مجلس، موفقیت بزرگی نبود برای ۲ خردادهای و نقش بر آب شدن تمام تلاشها و حقه بازیهای جناح هار برای بر هم زدن تعادل قوا در مجلس. به گمان من سه عامل در این مسأله نقش داشت. اول استفاده مناسب پائینها از فرصت به دست آمده در انتخابات برای ضربه زدن به رفسنجانی و جناح هار، و اعتراضات دانشجویی بعد از انتخابات. دوم خرید فقههای محترم شورای نگهبان و مقام معظم رهبری، در بی اعتنائی به نقش پائینها و نفرت شدید مردم از رژیم و عملکرد سرکوبگرانه اش که اکنون ولی فقیه و جناح هار مدافع خردترین و ارتجاعی ترین وجوه آن هستند. سوم هشجاری جبهه مشارکت در انتخاب تاکتیک درست در برابر رقیب و قاطعیت سیاستگذاران آن در رد رفسنجانی در لیست انتخابات و تهدید وی به ریاست اعتبارنامه اش و جلوگیری از انتخاب وی به ریاست مجلس در صورت راه یافتن به آن. در میان این سه عامل به نظر نگارنده این سطور تاکتیکها و تبلیغات جبهه مشارکت، نقش مهمتری از عوامل دیگر داشت. با این حال رفسنجانی با اعلام انصراف خود از شرکت در مجلس، از آبروریزیهای بیشتری که می توانست نصیبش شود، خود را نجات داد. این آبروریزیها در صورت راه یافتن رفسنجانی به مجلس می توانست به مدت چهار سال ادامه یابد. خوانندگان نبرد خلق به خاطر دارند که در این یادداشتها از زمان ورود رفسنجانی به انتخابات مجلس رژیم، پیوسته به بدفرجامی او در این مسیر و این که تاریخ مصرف او گذشته تاکید شده بود.

قوت و ضعف در جناح ۲ خردادی

اکنون که ۲ خردادها اکثریت قاطعی را در مجلس به دست آورده اند، در مرحله دشواری قرار گرفته اند. به این معنی که اگر قبلاً مجلس تحت تسلط جناح «تمامیت خواهان» یا «محافظه کاران» را (که در این یادداشتها از آنان به عنوان جناح هار نامبرده می شود)،

مانع پیشرفت کار خود می دانستند، حالا این مانع به نحو چشمگیری، تضعیف شده و دیگر پائینها را نمی شود با استدلالهای قبلی فریفت. ارزیابیها از تعادل قوا در داخل مجلس البته متفاوت است. انتخابات هیأت رئیسه مجلس نیز نشان می دهد که تعادل قوا بین فراکسیونها در داخل مجلس رژیم متناسب با تعداد آرای که در نمایش انتخاباتی به نام آنان به ثبت رسید، نیست. در ردیف دوم و بعد از بهزاد نبوی قرار گرفتن محمد رضا خاتمی نماینده اول تهران، در انتخابات نایب رئیس مجلس، نشانه این عدم تناسب است. هم چنین با این که گفته می شود حداکثر تعداد نمایندگان وابسته به جناح هار بیش از هفتاد نفر نیست، اما طرح دو فوریتی لغو قانون مطبوعات - تصویب شده در آخرین روزهای مجلس پنجم که به شدت مورد اعتراض ۲ خردادها بود - با امضا، صد نفر از نمایندگان به مجلس ارائه شد که با توجه به الویت و اهمیتی که این مسأله برای ۲ خردادها داشت، تعداد چشمگیری نیست به اینها باید حضور شورای نگهبان و حق وتویی که دارد و سنگ اندازیهای محتمل آن را در تصویب لایح دولت و طرحهای مجلس اضافه کرد. شورای نگهبان برای رد هر طرح و لایحه بی باید به خلاف شرع یا خلاف قانون اساسی بودن آن استناد کند و آن را برای اصلاح به مجلس بازگرداند و اگر بحث و جدل بین مجلس و شورای نگهبان که کسانی مثل جنتی و محمد یزدی عضو آن هستند به جایی نرسید، مسأله به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع می شود که در آنجا هم اکثریت با جناح هار است و رفسنجانی رئیس آن. اخیراً (روز ۲۴ خرداد) یزدی در یک سخنرانی گفته است که حتی اجماع نمایندگان مجلس در برابر شورای نگهبان فاقد هیچ اهمیتی نیست و اگر همه نمایندگان مجلس در موردی هم نظر باشند، شورای نگهبان می تواند نظر آنان را رد کند. این البته خلاف توصیه «امام راحل» است که در سال ۶۳ توصیه کرد اگر مجلس با دو سوم آراء، لایحه بی یا طرحی را تصویب کرد، شورای نگهبان آن را رد نکند و مسأله «احکام ثانویه» را پیش کشید. با این حال تاکتیک «فشار از پایین، چانه زنی در بالا» تا کنون تاکتیک کارآمدی برای ۲ خردادها بوده و شورای نگهبان و جناح هار با سخت سری و بی میلی و دست یازیدن به اقدامات توطئه گرانه برای ضربه زدن به جناح رقیب. ناچار شده اند، سنگرهای را از دست بدهند و در اینجا و آنجا عقب نشینیهایی بکنند. تاکیدیهای خاتمی در نقطه مراسم گشایش مجلس بر این که مجلس حق تفحص در همه امور را دارد، موضع گیری او در برابر اقدام چندی پیش مجمع تشخیص مصلحت نظام بود که طی مصوبه بی از مجلس در مورد نظارت بر نهادهای تحت اختیار رهبر سلب اختیار کرد.

تاکیدیهای خاتمی بر نقش و جایگاه مردم در نظام جمهوری اسلامی در سخنرانیهای بعد از افتتاح مجلس و این که «مقام رهبری هم با همه عظمتی که دارد به طور غیر مستقیم از طریق مجلس خبرگان توسط مردم انتخاب می شود»، مردم از طریق همین خبرگان بر کار او نظارت می کنند، نوعی ژست تهاجمی برای واداشتن حریف به «رعایت قاعده بازی» باید تلقی کرد هم چنان که سخنان پیش از دستور محمدرضا خاتمی، در تاکید بر «حقوق ملت در قانون اساسی» نیز حالت تهاجمی در برابر جناح رقیب است که به طور ضمنی محکوم به ندیده گرفتن حقوق ملت از سوی سخنران شده است. به هر حال اظهارات و موضعگیریهای شیدادانه خاتمی و ۲ خردادها در حمایت از حقوق مردم، ما به ازای سنگینی دارد که طبعاً آنها هرگز حاضر به پرداختن آن نخواهند شد. روز شنبه ۱۰ ژوئن (۲۱ خرداد) طبریزی در مصاحبه بی با رادیو فرانسه، خاتمی را متهم کرد که دستگیریهای اخیر دانشجویان توسط وزارت اطلاعات، با رضایت و اطلاع او صورت گرفته است و از سکوت او در برابر تعطیل ناگهانی ۱۸ روزنامه انتقاد کرد. اما تقویت احتمالی جناح ۲ خردادی در سیستم ولایت فقیه یا تهاجم و توطئه جناح هار برای تضعیف آن، هر دو حالت، باعث فورسش نظام و رشد اعتراضات اجتماعی خواهد بود. ofaness_mofasser@hotmail.com

ادبیات ایران در هزاره دوم

نگاهی به گذشته و اشاره ای به هزار سال مبارزه فرهنگی (۶)

شورشها و قیامهای مشترک

نخستین جلوه های این مقاومت در همان سالهای آغاز همکاری اسیران ایرانی با جناح مغلوب و عدالت خواه پیروان علی . در مدینه خود را قابل تأمل عدلی ایرانیان با آل علی را می توان در علاقه و احترام علی ابن ابیطالب به هرمزان سردار ایرانی و حاکم خوزستان در دوران یزدگرد و موقعیت این سردار در دوران خلیفه دوم دانست.

هرمزان از سرداران نام آور دوران ساسانی و از کسانی بود که در جنگ قادسیه علیه سپاهیان عرب جنگید. پس از آن به دشت میشان رفت و با حملات تعرضی تا مدتها مهاجمان را به ستوه آورد. به گفته حمدانته مستوفی این سردار ایرانی هشتاد سپرد را علیه نیروهای مقابل طراحی و فرماندهی کرد. پس از آن با فرمانده عرب عقبه ابن غزوان قرارداد صلحی امضا کرد که احوال و بخشی از خوزستان در دست او باقی بماند. پس از مدتی دوباره هرمزان به جنگ برخاست و باز قرارداد صلح تا این که سرانجام هرمزان در شوشتر شکست خورد و اسیر شد. در مدینه دخالت علی ابن ابیطالب در جریان محاکمه باعث شد هرمزان از مرگ نجات یابد. هرمزان در مدینه اسلام آورد و با زنی از خاندان علی ازدواج کرد و در دوران خلیفه دوم از احترام خاصی در مدینه برخوردار بود تا سرانجام در جریان قتل خلیفه دوم و به جرم شرکت داشتن در توطئه ترور کشته شد. در باره هرمزان نوشته اند پس از قتل او تمام بنی هاشم را در خونخواهی او گفتگو بود.

ماجرای کربلا و تأثیرات آن در سلسله ای از قیامها و شورشها سرآغاز جدیدی در شورشها چه در میان شورشیان عرب و چه در میان شورشیان ایرانی است و در همین نقطه است که سخافت تحلیلیها و تفسیرهای کسانی که می خوانند تاریخ را نه براساس محتوی بلکه بر اساس برتری

نژادها و تضادهای نژادها با یکدیگر تحلیل کنند خود را نشان می دهد.

پس از ماجرای شگفت کربلا و قیام حسین ابن علی با نیرویی از نظر شمار اندک، علیه خلیفه دوم امپراطوری گسترده اموی . رد پای شورشگران ایرانی بیشتر قابل رؤیت می شود و از ابهام بیرون می آید. واقعه کربلا به مثابه بزرگترین حادثه سیاسی و مذهبی نیمه دوم قرن اول هجری تأثیر شگفت آوری در پیوند هر چه بیشتر ایرانیان با آل علی به جا نهاد و به مثابه یک انفجار قوی تاریخی قلبها و عواطف ایرانیان را به لرزه درآورد و از همان آغاز به مثابه سمبلی قدرتمند در زمینه فرهنگ و مذهب مخالفان و شورشیان خود را نشان داد.

اندکی پس از واقعه کربلا و پس از شورش سرکوب شده توابعین به رهبری سلیمان ابن صد خزاعی در قیام مختار، انبوه ایرانیانی را می یابیم که سالها در زمره موالی بردگان بودند و حال در کنار بازماندگان نهضت سرکوب شده قبلی نه قسمت از ده قسمت شورشیان را تشکیل می دهند. نوشته اند اردوی ابراهیم اشتر از یاران مختار آن چنان از ایرانیان ملامال بود که در آن تمام سپاهیان به زبان پارسی صحبت می کردند. نوشته اند وقتی که دو تن از صاحب منصبان شامی، فرات و عسیر . ابراهیم اشتر را ملامت کردند که در پیش دلاوران شام از سپاهیان توکاری ساخته نیست، جواب داد: اینان فرزندان سوار کاران و سپهبدان سرزمین پارس اند و من خود نیز جنگ آزموده ام. قیام مختار همراه با شورشیان ایرانی و غیر ایرانی تحت فرماندهی او به مجازات عاملان کشتار کربلا انجامید و در این زمره شمر ابن ذی الجوشن مدتها در دشت میشان خوزستان تحت تعقیب ایرانیان بود تا سرانجام در حوالی بصره کشته شد. پس از پایان کار مختار و تلاطمات خونین سیاسی پس از دوران او و ظهور و سقوط چند چهره و دولتهای زودگذر آنها و چند شورش مربوط به درون حکومت بار دیگر رد پای شورشیان ایرانی به خصوص شمار کثیری از اهل خراسان را در شمار نیروهای زید ابن علی ابن حسین (نوه حسین ابن علی) و فرزند او یحیی می بینیم. پس از کشته شدن زید و شمار

زیادی از ایرانیان و اعراب شورش همراهِ با او و سوختن جسد او و ریختن خاکستر آن در فرات و بردن سر او به دمشق موج جدیدی از انفجار عواطف ایرانیان را نسبت به خاندان علی باعث شد و پس از آن شورش یحیی فرزند زید در سن ۱۸ سالگی در خراسان و سرانجام قتل او و بردن سر او به دمشق هر چه بیشتر بذر شورش و قیام را در دل ایرانیان کاشت و عواطف مردم خراسان را به مثابه یکی از گسترده ترین مناطق ایران اشغال شده و از کانونهای مقاومت و فرهنگ ایران کهن بیش از پیش با فرزندان علی پیوند داد. نوشته اند پس از قتل یحیی مردم خراسان هفتاد روز برای او سوگواری کردند و مسعودی تاریخدان معروف می نویسد: در سالی که یحیی کشته شد هیچ پسری از مادر نژاد مگر این که نام او را زید یا یحیی نهند. در قیامها و شورشهای پس از واقعه کربلا در بسیاری موارد شورشیان ایرانی و عرب در کنار هم علیه نیروهای قدرت حاکم شمشیر زدن در کنار هم اجسادشان به خاک افتاد و خونشان درهم آمیخت. بدون تردید و بنا تکلیفی عزاری از خراف و حب و بغض . در طی سالیان متماد ایرانیان نه به خاطر ثواب اخروی علیه ستم سنگین ملی . طبقاتی . فرهنگی و سیاسی شمشیر از نیام کشیدند ولی بی انصافی ستم اگر فکر کنیم در همان سالها زندانیهای هولناک حجاج از هزاران زن و مرد شورش عرب لبریز نبوده و در دارالعماره ها هر روز و شب سهرایی از این شورشیان عرب که از ظلم و ستم مانند ایرانیان به جان آمده بودند به خاک نمی افتاده است. تاریخ واقعی و اسناد تاریخی هرگز این بی انصافی را تأیید نمی کنند. در همین جا می خواهم تأکید کنم که در این سالها در فاصله واقعه کربلا تا هنگامی که کار دولت اموی به دست سپاه جامگان ابومسلم خراسانی به پایان می رسد (۶۱ تا ۱۲۲ هجری) سالهای بسیاری خونین . آشفته و مهمی در حال گذرند. در این دوران و تا مدتها بعد تا وقتی که طایفه نخستین حکومتیای ملی و مستقل در ایران پیدا می شود تاریخ ایران عمیقاً با فعل و انفعالات تاریخ مردمان سرزمینهای عربی از زوایای مختلف آمیخته است. و بدون ادراک حوادث و واقعیات سیاسی اجتماعی . فرهنگی

مرکز قدرت وقت نمی توانیم به درک درستی از چشند و چگون تاریخ ایران در این دوره پی ببریم. اشاره سن در این یادداشتهای مختصر و ناکامل به شورشها و حوادثی که در فرهنگ عامه مردم عمیقاً رنگ مذهبی دارد. دقیقاً از نقطه نظر تاریخی و اجتماعی و ادراک سر آغاز جریانهایی است که در سالهای بعد و تا همین امروز باعث فعل و انفعالات بسیاری شده است. به عنوان مثال شورش یحیی و زید و بسیاری از هم فکزان آنها در زمینه فرهنگ عمومی مردم خود را با نماد دو قدیس شهید و دو امام زاده فرو نشسته در غبارهای زمان و رازها و رنگهای مذهبی و طینی دعاهای و زمزمه زیارتها و اشباح زایرانی که از راههای دور آمده اند و رفته اند خود را نشان می دهند. این دو تن در گذر زمان تبدیل به دو نماد فرهنگی - مذهبی شده اند. ولی در زمینه واقعیات تاریخی و جامعه شناسانه ایران . یحیی و زید و دهها تن از آنان ما را به سر آغازهایی می کشانند که نشان می دهد چگونه جامعه ایران در زمینه مذهب پس از دوران ساسانیان رنگ و آهنگی خاص به خود گرفت و معنای سرتافتن از اسلام رسمی و در عین حال پذیرفتن اسلام غیر رسمی چیست. با این اشاره لازم به خط اصلی یادداشت برمی گردم. از سال ۶۱ هجری تا پایان کار دولت امویان شورشها و قیامها چه در داخل ایران و چه در مرکز قدرت بسازند. نهضت خوارج (و نه صرفاً خوارجی که موجب قتل علی ابن ابیطالب شدند) اگر چه از آغاز یک حرکت با منشاء خاص عربی بود. بعدها در آغاز نیمه دوم قرن اول هجری مورد توجه روستائیان و پیشه وران شورش ایرانی قرار گرفت. به طوری که در نیمه دوم قرن اول و نیز قرن دوم هجری سیستان یکی از کانونهای اصلی خوارج ایرانی بود. در سال ۶۷ هجری در خوزستان و عراق روستائیان عرب و ایرانی در زیر نوای خوارج ازرقی (یکی از شاخه های خوارج) متحد شدند و علیه حکومت شوریدند. در همین ایام در بصره کشتار خونین نهاد تن از کسانی که به هم اعتقادی با خوارج متهم بودند انجام گرفت. پس از کشتار بصره شورش و جنگهای خوارج در فارس . گزگان . شوشتر . اهواز . کازرون . استخر . جیرفت . سمنان . بحرین . طبرستان . و ... تا مدتها در

زمان حجاج ادامه داشت. قیام گسترده مردم خراسان در دوران سلیمان ابن عبدالملک هفتمین خلیفه اموی و مقاومت دلیرانه مردم گرگان و طبرستان که هفتاد سال پس از ورود فاتحان به ایران هنوز اجازته نداده بودند پای سپاهیان اموی به این نقاط برسد از دیگر حوادث مهم این سالهاست. سرانجام نیز تا آسیای خون به گردش در نیامد طبرستان تسلیم نشد.

از رمضان سال ۱۲۵ هجری سالی که تن یحیی فرزند زید بر دروازه جوزجانان آویخته شد و سر او به دمشق فرستاده شد و یاران او تا آخرین نفر جنگیدند و تا آخرین نفر کشته شدند و خسارده عاطفی سال ۶۱ هجری و کربلا را پس از ۶۲ سال قویا زنده کردند تا پایان کار امویان اندک زمانی پیش نمانده بود. شش سال بعد هنگامی که یاران ابومسلم خراسانی بر خراسان دست یافتند پیکر خشکیده بر دار یحیی را فرود آوردند و به خاک سپردند.

در پایان دوران بنی امیه و در آغاز نهضت سپاه جامگان خراسان در سر فصلی جدید از قیامها و شورشها قرار داریم تا این دوران انگار راهی سخت و دراز را از میان جنگلی انبوه و گناه ناشناس از شورشها . قیامها . کودتاها را طی کرده ایم. طی همین دوران با انبوهی از فعالیتهای مختلف گروهها و فرقه ها و چهره های گوناگونی که هر یک با ضعفها و قدرتهای خود گوشتی از گوشت تاریخ را به خود اختصاص داده اند روبرویم. طی همین دوران شاهد جنگ و رویارویی ایرانیان با اسلام رسمی و پذیرش اسلام غیر رسمی و شورش و ریشخند گرفتن تشیع در بخشهای گسترده ای از ایران و شرکت ایرانیان در شورشهای فرزندان علی و پیروان او علیه امویان هستیم و سرانجام در پایان این دوران شاهد مداری دیگر از شورشها و نهضت های استقلال طلبانه ای هستیم که دیگر آتش آنها از قلب ایران و به رهبری چهره های مشخصی که بیشتر با رنگ ملی خود را نشان می دهند. زیانه می کشد. انگار پس از یک قرن و اندی افقی دیگر در پیش رو قرار دارد. پیش از آن که به این افق پسا بگذاریم. تأکید می کنم که شناخت دوران امویان و کنش و واکنشهای ایرانیان در این دوران و تأمل بر قیامها و شورشهای این دوران اصلی ترین کلید ورود به قلمرو تاریخ ایران پس از اسلام و شناخت واقعی این تاریخ پیچیده و پر راز و رمز را به ما خواهد داد. اندک اشاره ای به این دوران کردم و بیش از این را به خود شما واگذار می کنم. (ادامه دارد)

در گوشه و کنار جهان



— جعفر پویه

مرگ حافظ اسد

مرگ حافظ اسد همزمان با عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان موقعیت صلح در خاورمیانه را با یک علامت سؤال جدید روبه‌رو کرد. در طی کمتر از یک سال جهان عرب با از دست دادن سه حاکم کهنه کار (ملک حسین، شاه حسین و حافظ اسد) با سه سیاستمدار جوان، با سابقه اندک نظامی روبه‌رو شد. هر چند ملک عبدالله و ملک محمد جانشینان تاج و تخت موروثی پدر خویش اند ولی به قدرت رسیدن بشار اسد نشان می‌دهد که در کشور به ظاهر جمهوری او روابط دیگری جانشینان رئیس جمهور مادام‌العمر را تعیین می‌کند.

از این که حافظ اسد در طول حکومت خود از سیاست نشستن بین دو صندل پیروی می‌کرد، و روابط دو گانه ای با متحدان خویش از جمله حکومت ایران داشت از دو وجهی بودن حاکمیت در سوریه حکایت دارد.

قرار داشتن سوریه در بین دو تیغه فشار، از یک طرف ترکیه و از جانب دیگر اسرائیل (که این دو حریف روابط بسیار نزدیکی را به تازگی دنبال می‌کنند، اجرای مانور نظامی مشترک ترکیه و اسرائیل و قراردادهای نظامی و سیاسی و امنیتی گسترده بین این دو شاهین موازنه را به زبان سوریه پایین می‌کشد. تخلیه جنوب لبنان از جانب اسرائیل امتیاز دیگری است که در این میان سوریه از دست داده است. رابطه سوریه با کشورهای منطقه از جمله ایران که کتکهای مالی هنگفتی را در پی داشت در حاله ای از ابهام قرار داد. مخالفت‌های داخلی در سوریه با حکومت فرزند ۳۴ ساله اسد احتمالاً وضعیت داخلی سوریه را هر چه بیشتر به جانب پلیسی شدن فضا خواهد برد. آیا بشار اسد خواهد توانست از این همه موانع به راحتی عبور کند؟ این بستگی به آن دارد که او در مکتب پدر چقدر آموخته باشد.

تظاهرات در یونان

صدا تن از مردم یونان در اعتراض به برگزاری مانور بزرگ نظامی ناتو در این کشور دو بار تظاهرات کردند. خبرگزاری فرانسه در آتن روز ۸ خرداد از قول یک منبع پلیس یونان گفت: تظاهرکنندگان در حالی که پرچمهای قرمز رنگی را به اهتزاز در آورده بودند و با فریادهای خشمگین شعارهای ضد آمریکایی و ضد ناتو سر می‌دادند، پایگاه آمریکایی اکتیون در شمال غربی این کشور را که زنجیره بی‌ای نیروهای امنیتی از آن محافظت می‌کردند، به محاصره درآوردند. در همین حال صدا تظاهرات خشمگین دیگر در مقابل پایگاه دریایی انگلوسوری در نزدیکی سالونیکا تجمع کردند و با سر دادن شعارهایی علیه آمریکا و ناتو خواستار خروج نیروهای بیگانه از کشورشان شدند.

اعتراض در پاکستان

تاجران و کسبه پاکستانی در اعتراض به سیاستهای مالیاتی رژیم نظامی برای دومین بار در ماه جاری معارزه های خود را در سراسر این کشور تعطیل کردند. به گزارش خبرگزاری فرانسه در اسلام آباد روز ۹ خرداد بازارهای اصلی پایتخت و شهر راولپنسی در این روز تعطیل بود و اعتصاب به فعالیتهای تجاری مراکز شهری دیگر نیز در سراسر کشور گسترش پیدا کرد. همزمان با این اعتصاب سراسری، مقامات پاکستانی و نیروهای مسلح کار میزای مالیات را در مراکز اصلی شهرها به اجرا درآوردند.

تظاهرات در استرالیا

دهها هزار نفر از مردم استرالیا در دفاع از هماهنگی نژادی در این کشور و به عنوان اعتراض به رفتار نخست وزیر که حاضر نیست از بومیان عذرخواهی کند، در شهر سیدنی دست به تظاهرات زدند. به این ترتیب زن، مرد، پیر و جوان، نمایندگان کلیسا، جنبشهای بومی و رهبران سیاسی به خیابانهای شهر سیدنی سرازیر شدند و پل معروف بندر این شهر را برای چهارمین بار از هنگام تاسیس آن در ۶۸ سال پیش، مسدود کردند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه در سیدنی، جان هوارد نخست وزیر استرالیا که رفتارش مورد اعتراض اکثر مردم این کشور قرار دارد، فقط به دو تن از وزیرانش اجازه داد در این تظاهرات شرکت کنند. این در حالی است که شرکت کنندگان در گرد همایی آشتی میان جوامع سفید پوست و سیاه پوست استرالیا که در ساختمان اپرای سیدنی برگزار شد، نخست وزیر را هو کردند و نزدیک به ۷۰۰ تن نیز به هنگام سخنرانی هوارد به او پشت کردند. بومیان استرالیا از جان هوارد خواسته اند به خاطر نسل رسیده شده آنها یا به عبارت دیگر دهها هزار کودک بومی این کشور که یک قرن تمام به زور از خانواده شان گرفته شده و به مؤسسات و خانواده های اروپایی سپرده شدند، معذرت خواهی کند.

پیروزی مردم شیلی

حکم یک دادگاه شیلی در سلب مصونیت قضایی آگوستو پینوشه دیکتاتور سابق این کشور با استقبال گرم مردم شیلی که آن را پیروزی بزرگی برای حاکمیت قانون می‌دانند مواجه شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه در شیلی روز ۱۷ خرداد ریجودی مدیر سازمان دیده بان حقوق بشر گفت: ریوز مصونیتی که ژنرال پینوشه می‌کشید پیرامون خودش بنا کند، توسط حکومت قانون و افکار عمومی تخریب شد. همچنین ویلیام شولز مدیر اجرایی عفو بین الملل گفت: این حکم هشدار قطعا مهمی مخصوصا برای تمام جباران عالم است که دست به جنایت علیه بشریت می‌زنند و گمان می‌کنند که از چنگال عدالت خواهند گریخت. مردم شیلی که در جریان حکومت استبدادی پینوشه عزیزانشان را از دست داده اند، پس از آن که دادگاه استیفاف با ۱۳ رأی موافق در برابر ۹ رأی مخالف مصونیت قضایی پینوشه را سلب کرد، در خیابانهای این کشور به پایکوبی پرداختند و شعار دادند: پینوشه برو زندان.

تظاهرات در کره جنوبی

روز ۱۸ خرداد هزاران تظاهرکننده خشمگین کره جنوبی که به حضور نیروهای آمریکایی در این کشور اعتراض داشتند، با پلیس ضد شورش به شدت درگیر شدند. به گزارش خبرگزاری فرانسه کره جنوبی این درگیری زمانی آغاز شد که حدود ۴۰۰۰ تظاهرکننده پس از محاصره پایگاه آموزشی کونای که برای پرواز جت‌های نظامی آمریکا و آموزش بمباران و حملات هوایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تلاش کردند با عبور از سیمهای خاردار و حصارهای حفاظتی اطراف وارد پایگاه شوند. در این درگیری صدها دانشجو و ساکنان خشمگین دهکده های اطراف با چوب و چماق در حدود ۲۴۰۰ پلیس ضد شورش مستقر در اطراف حصار سه کیلومتری دور پایگاه به زد و خورد پرداختند. تظاهرکنندگان که شماری از کشاورزان و ماهیگیران روستاهای اطراف پایگاه نیز به آنان پیوسته بودند، با سر دادن شعارهای ضد آمریکایی خواستار برچیده شدن پایگاه و تعطیلی فعالیتهای آموزش نظامی در آن شدند.

عملیات مسلحانه در سریلانکا

روز ۱۹ خرداد در نخستین سالگرد روز قهرمانان جنگ در سریلانکا، یک عضو انتحاری برهه‌های تامیل یک وزیر ارشد دولت و ۱۹ نفر دیگر را به قتل رساند. بنا بر گزارش خبرگزاری فرانسه در سریلانکا هنگامی که سسی وی گونراتنه وزیر صنایع سریلانکا برای هزاران سرباز دولتی درگیر با شورشیان در مراسم رژه پول جمع آوری می‌کرد، مردی که به بدش مواد منفجره بسته بود، بمب را منفجر کرد. پلیس گفت که قاتل یک ببر سیاه از بمب گزاران انتحارطلب شورشیان جدایی طلب تامیل بود. یک راهب بودایی گفت: شاهد بود مردی گونراتنه را در آغوش گرفت و بعد در حضور ۵ هزار نفر او را منفجر کرد.

عملیات مسلحانه در یونان

به گزارش خبرگزاری فرانسه در آتن روز ۲۰ خرداد در پی ترور وابسته نظامی انگلیس در یونان، گروه هفدهم نوامبر اعلام کرد استفن ساندرس را به دلیل نقش وی در جنایت نازی و در بمباران یوگوسلاوی توسط ناتو که او از طراحان آن بود را به قتل رسانده است.

در پی این ترور نیروهای پلیس اسکاتلندیارد به منظور انجام تحقیقات و تعقیب اعمال این حادثه وارد یونان شدند. این گروه تاکنون بیش از بیست تن از افسران آمریکایی، ترکیه و شخصیت‌های یونانی را به قتل رسانده است. نام گروه هفده نوامبر از واقعه ۱۷ نوامبر ۱۹۷۳ گرفته شده است که طی آن دانشجویان علیه رژیم سرهنگها دست به شورش زده و بسیاری از آنها به خاک و خون کشیده شدند.

اعتصاب در آرژانتین

روز ۲۱ خرداد صدها هزار تن از کارگران آرژانتینی در اعتراض به افزایش مالیات‌ها و طرح ریاضت اقتصادی رئیس جمهور این کشور دست از کار کشیدند و علیه دولت و صندوق بین المللی پول به خیابانها ریختند. به گزارش آسوشیتدپرس در بوئنوس آیرس در این اعتصاب که یکی از بزرگترین اعتصابها در سالهای اخیر محسوب می‌شود، هزاران کارگر بخش اتوبوسرانی، مترو، راه آهن و هواپیمایی دست از کار کشیدند. بیمارستانها با حداقل کارکنان کار کردند و بسیاری از فروشگاهها نیز بسته شدند. به گزارش خبرگزاری فرانسه تعداد قلیلی از اتوبوسها و تاکسیها که در این روز سرویس دهی کرده بودند، مورد هجوم تظاهرکنندگان خشمگین قرار گرفته یا لاستیکهایشان پنچر شدند. کارکنان بانکها با سردادن شعار و پرتاب ترقه اقدام به راهپیمایی در منطقه مرکزی شهر کردند. در این روز زباله ها جمع آوری نشد و کسانی که مصمم به رفتن به سر کار خود بودند ناچار به عبور از میان زباله ها شدند. در فرودگاه بسیاری از پروازها لغو یا تاخیر انجام شد. چندین هواپیما فقط با ۱۰ درصد ظرفیت مسافر خود پرواز کردند. دولت فرناندو دلاروا رئیس جمهور آرژانتین، ده روز قبل طرحی را تصویب کرد که بر اساس آن مالیاتها افزایش یافته و هزینه های عمومی تا ۹۳۸ میلیون دلار کاهش یافتند.

هوکو میانو رهبر اتحادیه کارگران حمل و نقل معتقد است دولت آرژانتین تنها مقرر اصلی این وضعیت نیست. او با اشاره به صندوق بین المللی پول گفت: دشمن در طرف دیگر است.

هزینه تسلیحاتی جهان

خبرگزاری فرانسه ۲۵ خرداد: مؤسسه تحقیق صلح بین المللی استکهلم در گزارش سالانه خود که روز ۱۴ ژوئن منتشر ساخته گفته است که هزینه های نظامی جهان در سال ۱۹۹۹ به میزان ۲/۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. این مؤسسه گفته است که این هزینه در مجموع به ۷۸۰ میلیارد دلار رسیده است. به رغم این که این رقم یک سوم کمتر از میزان مشابه در ده سال قبل است این مؤسسه یادآور شده که هنوز هزینه های تسلیحاتی میزان قابل توجهی از ذخایر اقتصادی یعنی ۲/۶ درصد از تولید درآمد ملی را به خود اختصاص داده است. آمریکا، ژاپن، فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایتالیا، روسیه، چین، کره جنوبی، عربستان، برزیل، هند، ترکیه، تایوان و اسپانیا به ترتیب بالاترین هزینه تسلیحاتی را دارند.

شب به اصطلاح ادبی و بحث و گفتگوی انستیتو گوته مونیخ مانند کنفرانس برلین با شکست روبرو شد

— حیدر اصلانی

پس از شکست مفتضحانه کنفرانس برلین، انستیتو گوته مونیخ نیز با دعوت از سه تن از نویسندگان و شاعران ایرانی، محمود دولت آبادی، محمد علی سیانلو و منیرو روانی پور، برنامه ای تحت عنوان شب ادبی، بحث و گفتگو (د رمورد جامعه مدنی - وضعیت نویسندگان) در روز جمعه ۱۴ آوریل در رأس ساعت ۱۹ در یکی از سالنهای این انستیتو برگزار کرد. تا به خیال خام خود یک طیف خاص و یک دیدگاه معین از به اصطلاح اصلاح طلبان ساکن ایران، نظرات خود را بیان کنند و نظامی را مشمول تظہیر سازند که دستش تا مرفق به خون وطن پرستان و آزادیخواهان آغشته است، البته در این شهر نیز توطئه آنان همانند کنفرانس برلین با شکست روبرو گردید و اعتراض شدید و قاطع ایرانیان آگاه و آزادیخواه را به دنبال داشت.

در شب به اصطلاح ادبی که قرار بود در زمینه ادبیات و جامعه مدنی به سخنرانی بپردازند، بر خلاف برلن و ماینس، عمال آشکار و طراحان نظام ولایت فقیه را به دنبال خود نیاوردند، مسئول انستیتو گوته در آغاز کار اشاره و اظهار امیدواری نمود که سخنرانی این نمایندگان بتواند به بهبود روابط ایران و آلمان بیانجامد و گفتگوی فرهنگها را با رژیم جمهوری اسلامی آغاز نماید. تعداد حضار در جلسه حدود ۲۰۰ نفر برآورد شده بود و تعداد آلمانیها بیشتر از ایرانیها بود. زیرا از قرار معلوم انستیتو گوته به تبلیغات گسترده ای در میان آلمانیها دست زده و به پخش اطلاعیه هایی اقدام نموده بود. در حالی که اکثر ایرانیان ایالت بایرن کاملا

فرهنگی شود و دو طرف را به هم نزدیک نماید که با جماعات اعتراض آمیز حضار از جمله: شما می خواهید پل اقتصادی شوید نه فرهنگی و یا بهمن به فیشر (وزیر امور خارجه آلمان) تلفن بزن و بگو بخ ما امشب در مونیخ هم نگرقت. خودباختگی به وضوح در چهره اش نمایان بود. دولت آبادی که حاضر نبود به اظهار نظر دیگران گوش فرا دهد و به قول یکی از حضار، آزادی بیان را برای خودش می خواست، صحنه را ترک کرد و پس از آن با کمی تأخیر محمد علی سیانلو، شاعر ۶۰ ساله ایرانی، از دید همگان محو گردید.

در این جلسه به اصطلاح شب ادبی همراه با تبادل نظر از ایرانیان معترض، خواسته شد که سالن را ترک کنند و عده ای از آلمانیها نیز که مبلغ ۱۲ مارک ورودی برای این تأثیر سیاسی پرداخته بودند، چندان راضی به نظر نمی رسیدند و بودند کسانی که اعتراض را مناسب ندانسته و سعی داشتند برای نمایندگان رژیم می که چشم در می آورد، دست می برد و سنگسار می کند، ادای دموکراسی در آورد و حق گفتگو با دشمنان منت ستمدیده ایران را برای خود محفوظ بدارند.

پس از شعرخوانی آقای سیانلو، یکی از حضار قطعه شعر زیر را به نام «رازی در شب» با صدای رسا و بلند خواند که با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و مزدور برو گمشو تکمیل گردید.

حضاری که به اعتراض و افشاگری از نظام جنایتکار جمهوری اسلامی در شب به اصطلاح ادبی پرداختند، آگاهانه با این مسأله برخورد کردند که جای کسانی که به عنوان جاده صاف کن آقای خاتمی و نظام سفاک جمهوری جنایتکار اسلامی هستند در کنگره های ادبی و فرهنگی نمی باشد. اظهار نظر یکی از حاضران چنین بود: «هم می دانند که کنفرانس برلین و این شب ادبی با پشتیبانی و برنامه ریزی سفارت جمهوری

دیکتاتوری اسلامی در آلمان صورت گرفته و در نظر داشتند اوضاع را برای سفر خاتمی بررسی کنند و حالا اگر کسانی مثل آقای دولت آبادی در این میان بی آبرو شدند. برای آنها اهمیتی ندارد و من جدا از اعتراض ایرانیان خوشحال شدم و آن را کاملا شایسته ایرانیان می دانستم. نمی دانم چرا ملاها نمی خواند بفهمند که مردم اصولا ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری ننگین اسلامی را قبول ندارند و از این بزرگ کردند هم جدا متفردند.

هنگامی که آقای بهمن نیرومند به معرفی نویسندگان می پرداخت. با شعارها و افشاگریهای پی در پی مواجه می شد که البته با توجه به این که ایشان به عنوان مجری (مترجم) حضور داشتند. معنی رابط فرهنگی از نظر ایشان این بود که. از ترجمه مطالبی که اعتراض کنندگان ابراز می شد خودداری می کرد و به نحوی می خواست که جو برگزارکنندگان نگاه دارد و هم عده ای لمین بودند که با برخوردی بی خردانه و دو دوزه بازی به معروضان توهین می کردند، که البته با افشاگری منطقی و سیاسی ایرانیان آزاده از چنین صحنه های تأثرگرفته سیاسی برای فریب افکار و ننگین نظام جنایتکار جمهوری اسلامی آنان را به سر جاهایشان نشانند. جامعه ایرانیان آزادیخواه هرگز این خوش رقصیها را فراموش نخواهد کرد و به افشاء و معرفی دلان و کاسه نیسان نظام خون آشام جمهوری اسلامی خواهد پرداخت. بدنی ترتیب با حضور آزادیخواهان و وطن پرستان مختلف از جمله سازمان ایرانیان دموکرات در مونیخ - کانون فرهنگی خیام، انجمن فرهنگی نبرد، فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و نویسندگان و شاعران در تبعید و دیگر ایرانیان آگاه و آزادیخواه، شب به اصطلاح ادبی را افشاء کرده و با شکست روبرو کردند. □

جاده خاکی نروید... در رسوایی رژیم شرکت نکنید!

آناهیتا - الف

کامل و تمام عیار رژیم دیکتاتوری مذهبی از مهملات است. آخوندهای به ظاهر لیبرال آرزو دارند ریش خود را بزنند، کت و شلوار بپوشند. آنها آرزو دارند با کمک استعمار خارجی، واتیکان و پاپ اعظم دست کنند. شاید که چندی بیشتر حکومت کنند! تلاش می کنند در را به روی سرمایه گذاران خارجی باز کند. داد از مدنیت می زنند! چه مدنیتی؟! مدنیتی که در چارچوب یک جامعه سرمایه داری با اقتصاد وابسته وعده داده می شود فقط منافع سرمایه داران خارجی و خرده سرمایه دارها وابسته فرصت طلبی را که سالیهاست از آخور همین رژیم تغذیه کرده اند را در بر می گیرد نه منافع ملت و توده محروم را! پس این مدنیت هم به درد خودشان می خورد. آری هر دو جناح می خواهند با تاکتیکهای مختلف، رژیم تا مغز استخوان پوسیده شان را سر پا نگه دارند ولی روزی نزدیک، خورشید بر این فلات شروع به تابیدن می کند و امروز کسانی که این روضه خوانان سر قیرها، این بدهکاران به چشمهای هزاران هزار مادر جگر سوخته، به هزاران کودک مادر سنگسار شده را فرامیسم و اصلاح طلب می خوانند. این متوهمان در آن روز پیروزی و سرنگونی رژیم فرسوده در رسوایی رژیم شریکند. پس به این مسأله ریشه ای نگاه کرده و جاده خاکی نروید، در رسوایی رژیم شرکت نکنید.

قتلهای سیاسی زنجیره ای، اعدام و شکنجه، سنگسار، فقر و وضع نابهنجار اقتصادی عینیت امروز کشور ما ایران، حاصل بیست سال حکومت ملایان است. امروز ملایان مرتجع به رژیم متزلزل و فرسوده خود پی برده اند و از آن جا که تاریخ زوال هر سیستم استثمارگر را به اثبات رسانده، از ترس و هراس از تکامل تاریخ و مقاومت و خشم ملت محروم که هر روز در هر گوشه و کنار ایران دیده می شود، دست به عکس العملهای مختلف جهت جلوگیری از یک انفجار بزرگ که سرنگونیشان را رقم می زند، زده اند. ولایت فقیه و مدافعانش که سرمایه داری سنتی تجاری را تشکیل می دهند به همراه سیاه و انتظاماتش با استفاده از شیوه قدیمی یعنی اعدام، شکنجه و سرکوب جنبشهای توده ای و آقای رئیس جمهور و گروه دوم خرداد که به ظاهر ادای لیبرالها را در می آورند فریاد از مدنیت و رفم می زنند، اما هدف هر دو در واقع فرار از انتقام تاریخ است. خلق محروم و در زنجیر ما بارها به تاریخ ثابت کرده که در موقعیتهای مناسب ترسی از مرگ با افتخار ندارد. و گول رفرمهای پوچ و تو خالی رژیم ملایان را نمی خورد. اگر مردم فریب می خوردند، طرح مدرنیسم هاشمی رفسنجانی به وقوع می پیوست. فرزندان این خلق ستمدیده بعد از بیست سال دست و پنجه نرم کردن با این رژیم قسرون وسطایی متوجه اند که انتقال قدرت از دست آنها به ملت بدون سرنگونی

کنفرانس برلین.
گند چاله زبانها

— صمد یثربی

شکست مفتضحانه کنفرانس برلین برای عده ای مثل کابوس شده است. معلوم نیست چرا این لشکر شکست خورده که خود را مدافع «مدار»، «عدم خشونت» و «گفتگو» می دانند. از اعتراض کاملاً مسالمت آمیز تعداد کثیری از ایرانیان تا این اندازه خشمگین شده و کف بر دهان آورده اند. اگر برگزارکنندگان کنفرانس تحمل اعتراض مسالمت آمیز که در تمام دنیا رایج است را نداشتند و تصمیم گرفتند به شیوه «امنیتی» پلیسی کنفرانس را ادامه دهند. گناه ایرانیان آزاده و شرافتمند که نمی خواهند همچون بومن نیرومند تنگ دلالی بسرای بیسک رژیم استبدادی - مذهبی را بپذیرند چیست؟ کاسه لیسان و دلالهای نظام ولایت فقیه از این که موفق نشده اند وظایف محول شده از جانب سرویسها را خوب انجام دهند. به خشم آمده و می خواهند هر چه در درون متعفن خود دارند به سر و روی ایرانیانی که در مقابل ارتجاع مقاومت می کنند بریزند و در این میان دیواری کوتاه تر از یک «زن پیداست» نکرده اند. اما گناه این «زن چیست»

مجله زنان (چاپ ایران) در شماره ۶۳ (اردیبهشت ۷۹) گزارشی از کنفرانس برلین چاپ کرده و در مورد حرکت اعتراضی و جسورانه پروانه حمیدی می نویسد: «زنی - که گفته می شود ۲۴ ساعت قبل او را از اردوگاه پناهندگان آورده بودند - در حالی که دوستانش وی را احاطه کرده بودند - به طوری که از محل تریبون چیزی دیده نمی شد - به مدت چند ثانیه به رقص مبتذل مشغول شد». گزارشگر مجله زنان در بخش دیگر از گزارش خود می نویسد: «از دیگر مواردی که در عملکرد معترضان بسیار چشمگیر بود. گرفتن فیلم و عکس به هنگام برخوردهای شدید و مخالفت آمیز از خودشان بود. گفته می شود که این فیلمها برای

دریافت ویزای اقامات در کشورهای اروپایی گرفته می شد». بهاین چند سطر باید خوب دقت کرد. زن هنرمندی که با اقدام اعتراضی خود سنت پرستان را خشمگین کرده، یک هنرمند ایرانی شناخته شده است که سالها در آلمان اقامت دارد. و این را مسلماً گزارشگر مجله زنان به خوبی می داند. اما این گزارشگر (لابسد مدعی اصلاح طلبی) با گفتن این که «او را از اردوگاه پناهندگان آورده بودند» می خواهد این گونه به خوانندگان خود القاء کند که این زن برای دلیل سازی در امر گرفتن پناهندگی به این اقدام دست زده است. عوامریبی مجله زنان ویژگی این مجله نیست. خصلت عمومی سرکردگان جبهه دوم خرداد روزنامه نگاران آن است. از گزارشگر مجله زنان فرومایه تر علی رضا نوری زاده است.

علیرضا نوری زاده با گندچاله زبانی این گونه به یک زن جسور می تازد. او می گوید: «آن علیسا مخدره ای هم که از دور دهان مشر غضنفر قهرمان کیومرث صابری «گل آقا» را آب انداخته بود و با نمایش اندام خود که اتفاقاً می گفتند چیز تماشایی هم نبوده، مبارزه خود را علیه جمهوری اسلامی به نمایش گذاشت». (علیرضا نوری زاده در کیهان چاپ لندن - اول اردیبهشت ۷۹)

تمام درونمایه پر از لجن و تعفن علیرضا نوری زاده با همین کلمه «تفاقاً» به نمایش گذاشته می شود. این گستاخی نوری زاده نیست که این گونه بر یک زن می تازد. این فرومایگی و زدالت پیشگی کسی است که میزبان تحمل پذیری او در این است که می تواند هم اوامر از ما بهتران در «سرویسهای» جهانی و منطقه ای را به دیده منت بگذارد و هم وظایف محوله بخش «امنیتی» هر دو جناح رژیم را با واسطه سعید حجابیان و یا عباس سلیم نمین، را قبول کند. تعلق گوئیهای مضمّن کننده علیرضا نوری زاده برای آسید عل آقا، آن روی سکه حرفهای نفرت انگیزی است که در باره یک زن معترض به آپارتاید جنسی حاکم بر کشور ما می زند.

از میان نامه ها

جوانی هشتم ۲۳ ساله و حدود یک سال است که در خارج از کشور زندگی می کند و تا حدودی از اوضاع و احوال ایران اطلاعاتی بلموس دارم. جامعه ای که به دست نغز کنندگان حقوق بشر اداره می شود و جلوه گیری آنها تنها به صورت تئوریک می باشد و در عمل به مثابه ای طبل توخالی می باشند.

افتخار این را دارم که یک کارگر زاده می باشم و همیشه از مدعیان آن بوده ام که کارگر فردی شریف، انسانی وارسته و در واقع محور اصلی چرخ اقتصاد جامعه می باشد. متأسفانه در استبداد خودکامه کنونی ایران کارگران دائماً با سرکوب خواستهای سیاسی، اقتصادی و روحی مواجه می باشند اما با وجود این همان طور که مشهود است این عزیزان دست از پایداری برنمی دارند. چون سرشت کارگر با ظلم ستیزی عجین می باشد. چیزی که امروزه برای آخوندها خیلی جالب ولی برای مزدبگیران و کارگران خیلی فاحش و دردناک است. توضیح حقوق کارگران و سوء استفاده از موقعیت شغلی و اجتماعی این عزیزان می باشد که در دو دهه اخیر خمینی و بقایای او در کشور عزیزمان ایران پایه ریزی کرده اند و شخصیت و مقام بالای کارگر را تبدیل به سپر زبانهها و بهره ورهای کلان خود کرده اند. آنها هر روز و با وضع قوانین جدید و ضد کارگری جدید. عرصه را بر کارگران تنگ می نمایند و دائماً درددند که آنها را درگیر و دار مسایل مشغول کنند تا شاید به خیال خام خود بتوانند آنها را از پرداختن به مسایل کلی در جامعه باز نگاه دارند.

چند روز پیش در یکی از شماره های نبردخلق خواندم که مجلس تحت امر خامنه ای در یک مصوبه ضد کارگری، کارگاههای زیر ۵ نفر کارگر را از مشمول قانون کار طرد نموده است. آیا اینان همیر کسانی هستند که خود را مدافعین طراز اول حقوق بشر جلوه می دهند. اگر طبق این مصوبه، کارگری عائله مند در حین کار مبتلا به نقص عضو دائم و یا فوت شود آیا خانواده این عزیزان باید در خیابانها بنشینند و کاسه گدایی جلوی خود بگذارند؟ و چه جالب این که باید مهر خاموشی بر لب بگیرند و از مشکلات عدیده خود در اجتماع صحبتی به میان نیآورند چون

آزادی بیان هم در ایران یعنی مطلقاً خفتن عمومی! پس چرا فقط کارگر بایستی متحمل ضرر و زیانهای جامعه باشد. چرا وقتی مساله پول و منفعت و آزادی بیان و سیاست در میان باشد این آنها (رژیم دجال آخوندی) نیستند که از حق ناحق خود بگذرند چشم پوشی کنند و فقط قشرهای مظلوم جامعه را ملزم به انجام آن می دانند. چرا وقتی بحث مالیات است مجلسیها و آخوندها و خویشاوندان آنها از انواع و اقسام مالیاتها اعم ساخت و ساز و صندوق معظم بیت رهبری و حرم مطهر امام و رئیس جمهور و هزار صندوق کذایی دیگر مضاف هستند و کارگران باید جبران خسارات آنها را متحمل شوند، در حالی که آنان تکیه بر اینکه قدرت زده و حسابهای بانکی آنها روز به روز بالاتر می رود. کارگران صبح تا شب به خاطر تامین نیازهای اقتصادی و اسرار و معاش خانواده تلاش می کنند و متأسفانه آخر سر هم رؤسا و مدیران شرکتها با مسئولین بالاتر به دلیل مشکلات عدیده اعم از دزدی و اختیای بیشتر از پرداخت دستمابه این عزیزان معذور می باشند و این کارگران برای دستیابی به حق و حقوق طبیعی خود دائماً درگیر و دار هستند و از آنها مهمتر این که مشکلات خود را با چه کسی می توانند مطرح کنند و به کجا عرض دعوی برند؟ چرا که سردمداران مملکت همگی وقتی پای کارگر و حق و حقوق مطرح باشد شریک دزدند نه رفیق قافل!

امروز، دیگر سیستمهای حامل دیکتاتوری بازتابی درمانی برای عاملان خود ندارد شاید بتوانند تنها رل مسکن، برای مدت کوتاهی را بازی کنند اما نه بیشتر، چرا که دوران جبر به سر آمده و ملاگرایی به بن بست رسیده و تمامی نگاهها واقع بینانه اندیشه های نو را در سر می پروازاند

من هم به عنوان یکی از تمامی مخالفان قدرت با شیوه آخوند مسلکی با دادن رأی نه به جمهوری اسلامی مخالفت خود را به این خائنین اعلام می دارم و امید آن را دارم که با یاری فدائیان خلق و تمامی آزادیخواهان عزیزمان در هر نقطه جهان با اتحادی میهنی بتوانیم دوباره ارزشهای واقعی خلق را بدان باز گردانیم.

مرتضی مزارکردی

از میان مقالات رسیده برای
صفحه دیدگاهها

آقای منوچهر مرعشی مقاله ای با عنوان بی پرینسپهای با پرینسپ. برای صفحه دیدگاهها ارسال نموده اند. در این مقاله آقای مرعشی به منافع فردی و طبقاتی و زیر پا گذاشته شدن اصل اخلاقی و حقوق بشری می پردازد. در قسمتی از این مقاله می خوانیم: «ایجاد رابطه به منظور حفظ و تقویت رژیم که حتی بر اساس معیارهای به رسمیت شناخته شده همین محافل سرمایه داری. منطقاً در هیچ کدام از دستگاههای نظری و حقوقی آنها نه تنها جا نمی گیرد. بلکه محکوم و مردود است و حکایت از بی پرینسپیی و حقارت باز هم بیشتر آنها می کند. وی در قسمت دیگری می نویسد: «وضع بیشرمانه و خائنانه اخیر وزارت امور خارجه آمریکا در دادن عکس هواپی و اطلاعات یکی از پایگاههای سازمان مجاهدین خلق ایران در یک مصاحبه علنی وقاحت را از طرفی و دشمنی این گونه محافل را با مقاومت سازمان یافته، انقلابی و مترقی ایران از طرف دیگری می رساند. که هرگز قابل بخشش نیست».

آقای مسعود خواجه علی از آلمان مقاله ای با عنوان «اصلاح طلبان قلابی در شوی دموکراسی برلین» برای صفحه دیدگاههای نبرد خلق ارسال نموده اند. نویسنده ضمن گزارشی از برگزاری کنفرانس برلین و برشماری اهداف آن. در خاتمه می نویسد: «حرکات زشت و مافیایی برگزار کنندگان و گزینشهای مکتبی و فردی (برای وارد شدن افراد به کنفرانس) آدم را یاد شورای نگهبان. رژیم و امور تربیتیهای مدرسه می انداخت. این دفعه با کراوات و به نام آزادی!! این جلسه نه تنها اصلاح طلبان قلابی بلکه اپوزیسیون بی عمل و تقلبی حامی خاتمی را هم بی آبرو نمود هیچ دولت، قدرت، نیرو، حزب، سازمان و شخصیتی قادر به حفظ و آبرو بخشیدن به این رژیم نمی باشد. جز این که در بند اساسی و تجربه ارزشمند ما از این کنفرانس کذایی برلین می تواند باشد. واقعیتهای واقعی در اروپا مخالف فاشیسم می باشد و اصلاح طلب واقعی در جامعه ایران مخالف خامنه ای و خاتمی خواهد بود».

نگاهی به

گذشته قرن بیستم (۱)

- اسد طاهری

در پایان قرن بیستم و در پایان هزاره دوم از نظر تقویم مسیحیت، کسانی پیروز هستند که نظام بورژوازی به سودشان است. آنان به دنبال جادویی در این ارقام هستند تا ابدی بودن نظامشان را ثابت کنند و نشان دهند که این نظام تمامی حریفان را از میدان به در کرده و به راستی تنها رابطه اقتصادی طبیعی است و در نتیجه تنها نظام اجتماعی ممکن برای انسان می باشد.

همان گونه که سرکوبگران زنان با این ادعا که روسپیگری قدیمی ترین نوع کسب است دست به نقطه ای تاریخی می زنند تا نفرت خویش را به زنان موجه جلوه دهند. میلیونها و بلیونهای امروزی با این ادعا که تولید برای کسب بهره همیشه وجود داشته است. ۹۹ درصد از تاریخ بشری را نادیده می گیرند. حال آن که اگر چیزی در ساختار نوع انسان وجود داشته باشد همانا دهها هزار سال کار اشتراکی توسط مشارکت گروههای اجتماعی است که انسانیت را از خاک به اوج رسانده است.

کسانی که تولید عظیم اجتماعی امروز را به عنوان مالکیت شخصی به غنیمت خود گرفته اند تاریخ این قرن را به عنوان تاریخ سقوط کمونیسم مطرح می سازند. آنان سقوط اتحاد جماهیر شوروی و انتقال گاه خشونت بار و گاه آرام جمهوریها و بلوک شرق را به خود تبریک می گویند. این واقعیت که انتقال فاجعه های عظیم برای صدها میلیون کارگر است. بورژوازی را نگران نمی سازد. آنان موفقیت را با پول می سنجند. آیا این قرن واقعا چنین به یاد خواهد ماند؟ معلوم نیست.

در انتقال حماسی از کاپیتالیسم به سوسیالیسم، دوره های طوفانی که ما در آن زندگی می کنیم. از قرن بیستم به عنوان زمانی که کارگران و دهقانان برای نخستین بار زورمندان را در کشورهای مختلف از ارکان قدرت پایین کشیدند یاد خواهد شد. انقلاب ابتدا در روسیه و دیگر سرزمینهای تحت امپراطوری تزارها صورت گرفت. سپس در سال ۱۹۲۰ در مغولستان اتفاق افتاد. طی دهه ۱۹۲۰ بخشهای بزرگی از چین طی انقلاب آزاد شد و در سال ۱۹۴۹ به اوج خود رسید.

در پایان جنگ دوم جهانی، ارتش سرخ شوروی بیشتر کشورهای اروپای شرقی را از سلطه نازیها آزاد کرد. پارتیزانهای آلبانی و یوگسلاوی به رهبری کمونیستها بقیه کشور را آزاد کردند. در سال ۱۹۴۸ دولتهای جدیدی که بر خاکستر جنگ تاسیس شده بودند در جهت ساختمان سوسیالیستی گام برداشتند. هر چند که تاثیر سیاسی بورژوازی هرگز از میان نرفت.

در همان زمان جنبشهای کمونیستی در کره و ویتنام پدید آمد. این کشورها در حال مبارزه با اشغالگران امپریالیست ژاپنی و نیز دگرگونی روابط طبقاتی بودند. در سال ۱۹۵۹ یک انقلاب سوسیالیستی در کوبا صورت گرفت که حکومت دیکتاتوری باتیستا را سرنگون کرد و به تسلط آمریکا در کوبا خاتمه داد. کشور گرانادا در دهه ۱۹۷۰ جنبشی سوسیالیستی را آغاز کرد که بلافاصله توسط غول ایالت متحده سرکوب گردید. کشور فقیر زده اتیوپی موفق شد نظام فئودالی آن کشور را براندازد ولی نتوانست بدون کمک گسترده خارجی ساختمان سوسیالیستی خود را سامان دهد.

معمولا در بیشتر انقلابهای سوسیالیستی وجود جنگهای خونین میان امپریالیستها باعث تسریع سرنگونی ماشین سیاسی یک نظام ضعیف و منسوخ اجتماعی شده است. به همین دلیل امروز امپریالیستها قبل از آن که رفقای خطرناک خود را عملا به مرحله مقابله تسلیحاتی برسانند باید به آن بهتر فکر کنند. گر چه آنان هر روز سلاحهای پیشرفته خود را بر ضد کشورهای ستمدیده به کار می برند.

توسعه ظنسی بی حد و مرز امپریالیستها از سنگ نشانه های این قرن بوده، ولی به چه قیمت هولناکی که تمام نشده است. مقابله خشمگین میان رقبای سرمایه به جنگهای وحشتناک جهانی و هزاران مداخله نظامی علیه بردگان استعماری گذشته صورت گرفته است. بردگانی که امروز با رشته های نامرئی وام و قرض دست و پایشان بسته شده است. اگر کاپیتالیسم در پایان جنگ جهانی اول، به همانگونه که اکثر کارگران اروپایی انتظار داشتند، شکست خورده بود، این قرن چه شکلی می یافت؟ اگر کارگران آلمانی دولت بورژوازی را سرنگون کرده و از ظهور فاشیسم جلوگیری کرده بودند چه می شد؟ اگر اتحاد جماهیر شوروی در نبرد قهرآمیز علیه جهان کاپیتالیستی دست تنها نمانده بود این قرن چه شکلی داشت؟ اگر ارقام باور نکردنی که عملا سر به تریلیونها دلار می زند و توسط سرمایه داری جهانی صرف تجهیزات جنگی و سرکوبی کشورهای دیگر می گردد. در اختیار مردم، خرج مسکن، آموزش و پرورش، بیمارستان، جاده، زمین بازی، تئاتر و پارک می شد جامعه بشری امروز به کجا رسیده بود. هدف غائی کمونیسم، جهانی بدون طبقه، بدون بهره کشی و بدون استعگری است. در این که اکثر مردم جهان همین را خواستارند جای بحثی نیست. رویایی که مردم از بهشت دارند دنیایی است که در آن صاحبکار، پلیس و بلیونر وجود ندارد. ولی چگونه می توان در یک دنیای واقعی به این هدف دست یافت. مقاومت طبقه کارگر صنعتی جدید علیه بهره کشی ستمرانه در قرن نوزدهم منجر به پیروزی عقیدتی فوق العاده ای در شناخت عوامل دگرگونیهای اجتماعی گردید. مارکسیسم به عنوان علم رشد اجتماعی و به عنوان

شیپور فراخوانی انقلاب پرولتاریا تولد یافت. تحلیل مارکسیسم از عملکرد کاپیتالیسم و بحرانهای دوره ای خصلت مایوس کننده آن، در آزمایش زمان سر بلند بیرون آمد. مارکسیسم به عنوان دکترین جنبشهای آگاهانه طبقه کارگر در سراسر جهان پذیرفته شد. از زمان مارکس به بعد آنچه در مرحله اول سرمایه تجاری و تولیدی در آمریکا، اروپا و ژاپن بود به صورت اصل سرمایه انحصاری مالی، بانکها و شرکتهای عظیم و گسترده امپریالیستی در سراسر جهان درآمد. همه خصلتهای سیستم بورژوازی که توسط مارکس و انگلس در مانیفست کمونیست بیان شده بود، منجمله گرایش ثروتمندتر شدن ثروتمندان، فقیرتر شدن فقرا، در طول زمان ثابت گردید. وقتی که در پایان قرن بیستم رشد تولید به کمک علم و تکنولوژی چنین سرعتی یافته است دیگر دلیل ندارد که کسی حتی در دورافتاده ترین گوشه جهان در فقر زندگی کند.

رشد لجام گسیخته کاپیتالیستی مشکلات حاد و جدیدی به وجود آورده است. به خصوص مشکل نابودی محیط زیست که توسعه بی رویه صنعتی موجب آن است. زمانی که نبرد مرگ و زندگی برای کسب منافع تعیین کننده نوع و مکان تولید است دیگر امکان برآورد نیازهای انسان به مفهوم نیازهای حیاتی و نیازهای دراز مدت وجود نخواهد داشت. آیا مبارزه برای سوسیالیسم باز ظهور خواهد کرد؟ این مبارزه هم اینکه وجود دارد. حتی زمانی که طولانی ترین دوره درخشش کاپیتالیسم در این قرن است. در سراسر آمریکای لاتین مبارزه های جدیدی علیه امپریالیسم و اولیگارش داخلی دیده می شود. سران واتسنگتن نگران آنند که با کلمبیا و ونزوئلا چه کنند. حتی در کنفرانس سازمان تجارت جهانی، اتحاد مبارزان کارگر، دانشجو، طرفداران محیط زیست و دیگر فعالان اجتماعی نشان داد که کاپیتالیسم انحصاری یک مسأله است. البته کاپیتالیسم نوع دیگری در این دوره وجود ندارد. چه چیزی می تواند جانشین آن کرده؟ این چیزی ششاید پاسخی سوسیالیستی نداشته باشد ولی وقتی دغدغه های بورژوازی بچ از آب درآیند، بدان جهت حرکت خواهد کرد.

ستمدیده ترین بخش مردم یعنی زنان هر روز بیش از پیش رهبری مبارزه طبقه کارگر را در کشورهایی که سنگر امپریالیسم بوده اند به دست می گیرند. جنبشهای جدید علیه سرکوبی به خاطر جنسیت اینک با کارگران در یک سنگر برای درهم ریختن وضع موجود می جنگند. مارکسیسم با تجارب مبارزات جدید به دست آورده است خود را با زمان تطبیق می دهد.

پس سال دو هزار مبارک باد! پیروزی بورژوازی هم اینک زخم خورده است. زمان آن است که گفته فردریک دگلاس را به یاد بیاوریم: حقیقتی که بر زمین خورده است دوباره به پا خواهد خواست. او این جمله را در باره مبارزه برای نابودی برده داری بیان داشت.

اینک بگذار همه کارگران حقیقت را در مورد برده داری با حقوق بدانند. زیرا آن حقیقت انسان را بیدار خواهد ساخت.

تنها به این دلیل که یک هزاره به پایان می رسد لزوما به معنای پایان یک دوره اقتصادی، یک مرحله رشد اقتصادی یا یک دوره سیاسی نیست و آغاز یک قرن لزوما به معنای آغاز بحرانی تازه نیست که جو سیاسی را نیرو می بخشد. طبقه کارگر را تجهیز می کند. آگاهی آنان را بالا می برد و آنان را در جاده سوسیالیسم و انقلاب پیش می راند.

این بدان معنا نیست که گردش قرن هیچ معنای سیاسی ندارد. از نظر روانی چیز بزرگی است چیزی است که برای اکثریت مردم یک ساز اتفاق می افتد و مسائل بزرگ قرن را مورد پرسش قرار می دهد به نظر من یکی از مهمترین پرسشها این است. چشم انداز کمونیسم چیست و تلاش ما به کجا خواهد انجامید؟ به خوبی می دانیم در این مقطع زمانی که کاپیتالیسم پیروزمندان و در اوج منغول تاخت و تاز است برای برخی این پرسشی دشوار است. ما برخی از عقب نشینیهای اخیر را در چشم انداز کمونیسم در قرن آینده تصدیق می کنیم. اما عادلانه آن است که در مقابل یک سؤال مطرح شود: چه چشم اندازی برای انسان و انسانیت تحت نظام کاپیتالیسم در قرن آینده وجود دارد؟ کاپیتالیسم در سراسر جهان و بر تمامی مردم سرمست طمع و ثروت ندیده شده از کارگران و زحمتکشان حکم می راند. سرمایه داران سرمست از تکنولوژیهای حیرت آور. از آنها تنها به قصد سودجویی و کاستن ارزش کار استفاده می کنند به جای آنکه به نیازمندان یاری رسانند آنان از قدرت عظیم خود در جنگ علیه خلق سبز سرمستند.

اخیرا سازمان ملل گزارشی در فقر و عقب ماندگی رشد اجتماعی در کشورهای سوسیالیستی سابق، منجمله تمام جمهوریهای سابق اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی صادر کرد. در این گزارش به تمامی مسائل حیاتی اشاره شده است: مرگ و میر سوزان، طول زندگی، مراقبتهای پزشکی، میزان خودکشی، اعتیاد، بیسوادی، مسکن، شغل، کار و آسیب به محیط زیست. در این کشورها، شرایط اجتماعی فوق پس از دگرگونیهای ده سال گذشته سیر شدیداً نزولی داشته اند در این کشورها و سبز در بیشتر کشورهای جهان درصد مردمی که زیر مرز فقر، گرسنگی و حداقل درآمد زندگی می کنند بسیار بالاتر از هر زمانی است. حتی پس از جنگ جهانی دوم جهانی.

در ایالات متحده کاپیتالیستی که ده سال پیشرفت و توفیق داشته اند فاصله درآمد میان ۵۰ درصد از جمعیتی که نیمه پایین معادله را تشکیل می دهند و ۵ درصد بالا، بزرگترین و بیشترین فاصله در طی تاریخ است. باز هم خواهان چنین قرنی هستیم، قرنی دیگر از کاپیتالیسم.

جنگ خبر

اخبار روز را در آدرس زیر بروی اینترنت مطالعه کنید.

http://www.geocities.com/jong_khabar_jong_khabar

اطلاعه ها و اخبار را برای اطلاع دیگران به آدرس زیر ارسال کنید.

jong_khabar@yahoo.com

نامه های رسیده

آقای علی حاجی پور، ۲۰ مارک جهت تمدید آونمان نشریه دریافت شد. از اشتباهی که در مورد ارسال فرم برای شما پیش آمده بود، پوزش می طلبیم. - دوستان و مشترکین زیر کمک مالی و تمدید آونمان شما دریافت شد:

خانمها: هاله ۵۰ گلدن، میگان ۳۰ دلار، آقایان: پیام بختیاری ۵۰ گلدن، مهدی از استرالیا ۵۰ دلار، نقی پور از آمریکا ۲۰ دلار، امیر از رومانی ۲۰ دلار - آقای حمید ناجی از عراق، کارت شما به مناسبت سال نو، دریافت شد. از محبت شما سپاسگزاریم.

آقای هروی از یونان، نامه پر محبت شما دریافت شد. نبرد خلق برای شما همچنان ارسال خواهد شد. - آقای امان، ع از هلند، نامه شما دریافت شد. از همکاری شما سپاسگزاریم.

آقای امیر، ص مطلب شما با عنوان «الترناتیو جنبه دوم حرداد و وظیفه نیروهای انقلابی» برای صفحه دیدگاهها دریافت شد.

تصحیح و پوزش

در نبرد خلق شماره ۱۷۹ مطلبی با عنوان «طوبی» به چاپ رسید که نام نویسنده آن اشتباه درج شده و درست آن مرتضی مژاکردی است. بابت این اشتباه از آقای مرتضی مژاکردی پوزش می طلبیم.

قانون اساسی جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۵

که به نوعی در قالب استعمارگری زنان ظاهرها به آنان شخصیت می دهد و میدان را برای خودنمایی آنان در عرصه سیاسی - اجتماعی باز می گذارد. با هم چون تعریفی که از زن کامل و دارای ارزشهای فرهنگی و اجتماعی می دهد: «زن مسلمان، و یا شعراهایی چون فقط حجاب، پاسداری از خون شهیدان، با توجه به جریان انتخابات مجلس در ماه فوریه گذشته، فرصت دیگری پیش آمد تا رژیم ایران با به نمایش گذاشتن انتخابات دیگری به دنیا بگوید که در ایران آزادی و مساوات وجود دارد. در حالی که آن چه در داخل می گذرد حقیقت دیگری است. با تغییر چهره ها، حتی اگر نمایندگان مجلس باشند، دگرگونی و اصلاحاتی در اوضاع اجتماعی و قوانین حاصل نمی شود زیرا این مجلس هیچگونه قدرتی برای اصلاح قوانین را بدون اجازه ولایت فقیه که همان خامنه ای است ندارد.

با یک نظر اجمالی به مطالب گفته شده به این نتیجه می رسیم که اگر روزی، که قطعاً خواهد رسید، این رژیم سرنگون شود، سالها طول خواهد کشید تا برابری بین زن و مرد برقرار شود. زیرا در طی ۲۱ سال، اذهان عمومی توسط این قدرت مستبد و متعصب که خواستار سرکوب و کنترل هر گونه فعالیت انسانی در راستای احیای قوانین دموکراسی می باشد، قالب بندی شده اند ایران پر خلاف تصویر ظاهری که از آزادی و دموکراسی ارائه داده است، کشوری تحت فرماندهی نظام غیر انسانی می باشد.

ارس

در شبکه جهانی اینترنت
http://members.tripod.com/~ARAZ/index-1.html

نبرد خلق را مطالعه کنید.

از اخبار ورزشی روز مطلع شوید.

گفتگو و تبادل نظر زنده با دیگران

NABARD - E - KHALGH

Organ of the

Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Published by :

NABARD CULTURAL ASSOCIATION

No : 181 21. June . 2000

NABARD

B.P. 20

91350 Grigny

Cedex - FRANCE

NABARD

P.O Box 10400

London N7 7HX

ENGLAND

NABARD

P.O Box 710631

Hemdon, VA

20171 USA

NABARD

Postbus 593

6700 AN Wageningen

HOLLAND

NABARD

Postfach 102001

50460 Kohn

GERMANY

NABARD

Casella Postale 307

65100 Pescara

ITALIA

E.Mail:

nabard@club-internet.fr

nabard@hotmail.com

صفحه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در روی شبکه اینترنت

http://www.fadaian.org

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خردداری نمی کند. مطالبی که با اعضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبرد خلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD

B.P 20

91350 GRIGNY CEDEX FRANCE

Fax: USA 1-703 904 78 10

Italia 39 - 085 802 23 56

فرم اشتراک نبرد خلق

Name :

Address :

بهای اشتراک سالانه نبرد خلق

۷۵ فرانک فرانسه

۱۸ دلار آمریکا

۷ فرانک فرانسه

اروپا

آمریکا و کانادا

تک شماره

حساب بانکی سازمان

SOCIETE GENERAL

BOULOGNE - S - SEIN E

FRANCE

03760

00050097851

Mme. Talat R.T

نام بانک:

آدرس بانک:

کد گیشه

شماره حساب:

نام صاحب حساب:

نامه های رسیده

منتشر شد



آدرس پست الکترونیکی گفتگوهای زندان

dialogt@web.de

تظاهرات دهها هزار نفر از مردم مشهد

شورای ملی مقاومت ایران روز ۲۰ خرداد اعلام کرد که: «عصر و شب گذشته دهها هزار تن از مردم مشهد با شعارهای «توپ، تانک، بسیجی، دیگر اثر ندارد» و «آزادی زندانیان سیاسی و مرگ بر حکومت آخوندی» در مناطق مختلف این شهر از جمله تقی آباد، خسروی و احمد آباد دست به راهپیمایی زدند. در جریان این تظاهرات صدها تن از مردم شهر زخمی و دستگیر شدند.

جوانان با استفاده از سفر خاتمی، از حوالی ساعت ۴ بعد از ظهر در صحن امام رضا جمع شده و هنگامی که آخوند واعظ طیبی قصد سخنرانی داشت، شعار «طیبی دیکتاتور، سلطنت را رها کن» و «طیبی، طیبی دیکتاتور خراسان» و «طیبی ندزی بس» سر دادند و با پرتاب لنگه کفش و چوب مانع سخنرانی وی شدند. مردم همچنین به مهر عزیزان استانداری خراسان اجازه سخنرانی ندادند. خاتمی نیز مجبور شد سخنان خود را کوتاه کند و بارها از جمعیت خواستار قطع شعارهاشان بشود.

بعد از سخنرانی نیروهای سرکوبگر با لباس شخصی و پاسداران موسوم به انصار حزب الله با هجوم به مردم آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. با شروع درگیریها، یک گروه از مردم در مسیر خیابانهای خسروی، جنت و چمران راهپیمایی کردند. جمعیت چند هزار نفری مورد تهاجم یگان ضد شورش نیروی انتظامی و مزدوران بسیج قرار گرفت و درگیری شدید ساعتها به طول انجامید.

بخش دیگری از جمعیت به سمت میدان تقی آباد راه پیمایی کردند. در مسیر عبور تظاهرکنندگان از فلکه آب، فلکه برق، چهار راه لشکر و چهار راه استانداری گروههای زیادی از مردم به آنها پیوستند به نحوی که شمار تظاهرکنندگان به بیش از ده هزار نفر می رسید.

همچنین هزاران نفر از مردم شهر به سمت میدان احمد آباد راهپیمایی کردند. یگانهای ضد شورش نیروی انتظامی مجهز به سپر و چوب و باتون، مزدوران اطلاعات و بسیج به جمعیت حمله کردند و به ضرب و شتم و حبسیانه تظاهرکنندگان

موقع نیروهای انقلابی حاضر در صحن مطهر، این توطئه را خنثی کرد. افراد اوباش، بعد از پایان سخنرانی رئیس جمهور، در اطراف حرم به راه افتاده و اقدام به دادن شعارهایی از قبیل «آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه» و «توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد» کردند. اینها از جمله شعارهایی بودند که عناصر آشوبگر در ۲۱ و ۲۲ تیر ماه سال گذشته در جریان شورشهای خیابانی در تهران و غارت مغازه ها و آتش زدن مساجد نیز سر دادند.

«جولان نفاق»

روزنامه رسالت ۲۴ خرداد: امروز جامعه انقلابی و متکی بر اسلام ایران با نفاق مواجه است. . . . جریان یاد شده در قالب شعار آزادی و اصلاح طلبی برای ایران و ایرانیان سعی کرده خواسته های نامشروع و غیر دینی خود را به عنوان شعار و خواست توده مردم مطرح سازد و با تحریف افکار عمومی حرمت شکنی و فداست زدایی را استمرار بخشد. اینان در تظاهر به شادی و شادمانیهای خلاف اخلاق و کرامت انسان آتقدر در میتینگها و تجمعات خود به ویژه در پای صحبتهای رئیس جمهور افزوده و پیش رفته اند که حتی در کنار مضجع شریف و بارگاه ملکوتی حضرت رضا... علیرغم تذکرات داده شده از عمل زشت و نابخرده خود فروگذار نشدند و رفتارهای نامعقول خود را به عنوان شادباش توجیه کردند. مطلب تأسف بار نکته مهم و جالب توجه پرتاب چوب، کفش، البسه و چادر این وسیله عفاف و پاکیزگی زنان مسلمان به سمت جایگاه و محل استقرار رئیس جمهور و شخصیتهای محترم نظام بود. متأسفانه همین گروه متظاهر به شادی پس از اتمام سخنرانی در گروههای چند گانه با شعارهای اهانت آمیز به راهپیمایی در خیابانها ادامه دادند و با شعار «یا مرگ یا آزادی» برای مردم و حتی علما ایجاد مزاحمت کردند و از حرم تا فلکه تقی آباد و فلکه احمد آباد پیش رفتند؟! البته معاون محترم امنیتی استاندار خراسان در مصاحبه خود اظهار کردند احتمال دارد اینان منافقین بودند ولی اگر بپذیریم که منافقین در مراسم سخنرانی رئیس جمهور هتاکی کنند و سپس این دهن کجی به نظام را در خیابانها ادامه دهند و کسی موضوع را پیگیری نکند، جای بسی تأسف است. حزب کارگزاران سازندگی در خراسان و حزب مشارکت خراسان هم ادعا کرده اند که عوامل حرمت شکن در خیابانها که اقدام به تظاهرات غیر قانونی کرده اند، از وابستگان و اعضا حزب یاد شده نبوده اند که تعدادی آن شب دستگیر شده اند آیا مردم حق ندارند از ریاست تأمین استان و مقامات قضایی و امنیتی سؤال کنند که دستگیر شدگان چه کسانی بودند و در کجا دستگیر شده اند و وابسته به کدام جریان هستند؟! □

تظاهرات بزرگ در شهرک سینا

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۲۰ خرداد: شش هزار تن از اهالی شهرک سینا در جنوب غرب تهران به یک تظاهرات بزرگ ضد حکومتی دست زدند و با سر دادن شعارهای «آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه» و «توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد» و «مرگ بر حکومت آخوندی» با سنگ و چوب به خودروها و ساختمانهای حکومتی در این منطقه حمله کردند. مردم خشمگین جاده تهران - کرج را برای ساعتی مسدود کردند. این اعتراضات که عصر روز سه شنبه در اعتراض به کمبود شدید آب شروع شده بود، با مداخله نیروی انتظامی و پاسداران و پرتاب گاز اشک آور و شلیک به سوی جمعیت و استفاده از ماشینهای آب پاش، اوج گرفت

و به یک تظاهرات ضد حکومتی تبدیل گشت. رژیم آخوندی برای جلوگیری از سرایت تظاهرات و خیزش به سایر نقاط تهران، با اعزام یگانهای ویژه ضد شورش، شهرک را به محاصره درآورد و نیروهای سرکوبگر رژیم، با هجوم وحشیانه به تظاهرکنندگان، صدها تن از آنان را زخمی کردند. در جریان این درگیری همچنین شماری از پاسداران و عناصر بسیج و نیروی انتظامی مجروح شدند. درگیری میان مردم این شهرک ۸۰ هزار نفری و نیروهای سرکوبگر رژیم تا پس از نیمه شب همچنان ادامه داشت.

تظاهرات در تهران

تلویزیون رژیم ۲ خرداد: در اجتماع عصر امروز گروهی از دانشجویان که به دعوت دفتر تحکیم وحدت به مناسبت سالروز دوم خرداد در محوطه داخلی دانشگاه تهران برگزار شد، شرکت کنندگان پس از شنیدن سخنرانی سخنرانان در حالی که بر ضد نهادهای انقلابی و قانونی نظام و مسئولان شعار می دادند، از سوی عده یی به خارج از دانشگاه هدایت شدند. اجتماع کنندگان سپس با بستن خیابان انقلاب و ۱۶ آذر به طرف میدان انقلاب راهپیمایی کردند که با تذکر مکرر نیروی انتظامی پراکنده شدند. مدیر کل روابط عمومی وزارت کشور در گفتگوی تلفنی با خبرنگار واحد مرکزی خبر گفت: از نظر وزارت کشور هر گونه تجمع و راهپیمایی دانشجویان در خارج از محوطه دانشگاه تهران غیر قانونی بوده و وزارت کشور در این باره مجوزی هم صادر نکرده است و با هر نوع شعار غیر منطقی نیز مخالفت می کند. در این حال یکی از اعضای دفتر تحکیم وحدت اعلام کرد راهپیمایی تعدادی از دانشجویان در خیابان انقلاب و تجمع آنها در میدان انقلاب و سر دادن شعارهای تند علیه تعدادی از مسئولان و نهادهای قانونی کشور ارتباطی با دفتر تحکیم وحدت نداشته است و تنها تجمع داخل دانشگاه از سوی این دفتر بوده است.

شهادت فدایی تیرماه

رفقا: محمدکاظم غیبرایی - بهمن راست خدیو - محمدعلی خسروی اردبیلی - نسترن آل آقا - گلرخ شهروز مهدوی - نادعلی پورنغمه - حمیدرضا هزارخانی - مازنیق قازاریان - زهرا السادات روحی آهنگران - محمود عظیمی بلواریان - یدالله زارع کاریزی - اسماعیل نریبسا - محمدرضا (امیر) قصاب آزاد - مسعود فرزانه - علی رضا الماسی - حمید اشرف - یوسف قانع خشکه بیجاری - غلامرضا لایق مهربان - محمدرضا یقربی - فاطمه حسینی - محمدحسین حقنوازی - طاهره خرم - عسگر حسینی ایرده - محمد مهدی فوقانی - غلامعلی خراط پور - علی اکبر وزیری - مهدی زهرا - مسیحا - حمید ایران - بهزاد امیری دوان - افسرالسادات حسینی - نادره احمدهاشمی - سعید توکی - علی خصوصی - کاظم سلاخی - احمد خرم آبادی - علی اکبر حق بیان - عبدالله سعیدی بیندختی - حجت محسنی کبیر - غلامرضا جلالی - خسرو مانی - شفیع رهنمایی - علی اکبر حیدریان - سینا کارگر - احمد باختری، ناصر ممی وند طی سسالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و با در زندانهای درخیمان ستگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.